

بررسی تحولات حقوق مالکیت ادبی و هنری در حقوق ایران، آمریکا

مهناز روزبه^۱، محمد رحیم بهبهانی^۲

^۱ دانش آموخته ی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، ایران

^۲ استادیار و هیات علمی گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، ایران

چکیده

درباره انتشار و فروش اثر ادبی، هنری یا علمی خویش با پشتوانه حمایتی قانون گذار، تصمیم بگیرد این تصمیم گیری بدون دغدغه آن است که دیگران حقوق مادی و اخلاقی او را زیر پا نهند و او را از داشتن این حقوق مسلم محروم سازند. از این رو، کپی رایت تمهیدی قانونی است که برای حمایت از حقوق مادی و اخلاقی پدیدآورندگان یا تولیدکنندگان آثار ادبی، هنری و علمی پایه ریزی شده است. در پرتو این حق، به صاحب آن اجازه داده می شود که در مورد چاپ کردن یا چاپ نکردن اثر ادبی، خودش یگانه مرجع تصمیم گیرنده باشد و هر شخص متعرض به این حق، اعم از حقیقی یا حقوقی، منع گردد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تحولات حقوق مالکیت ادبی و هنری در حقوق ایران، آمریکا به صورت توصیفی و کتابخانه ای انجام شده است. نتایج نشان داد که وجوه افتراق و اشتراکاتی بین حقوق ایران و آمریکا در زمینه کپی رایت وجود دارد به طوری که در حقوق ایران اگرچه از سال ها پیش در قوانین و مقررات مختلف به جرایم و مجازات های ناشی از نقض حقوق پدیدآورندگان پرداخته اند؛ اما قانون مربوط به حقوق مؤلفان و مصنفان (مصوب ۱۳۴۸) هرچند که در دوران قانونی پیشرفته و کامل به حساب می آمد اما امروزه جزییات کافی را ندارد تا افراد با مراجعه به آن بتوانند در محدوده های قانونی عمل کنند و در بسیاری از موارد شمول، اعمال متجاوزان گسترده تر از محدوده ی جرایم تعیین شده توسط قوانین است. از این رو پیوستن ایران به کنوانسیون های حمایت از آثار ادبی-هنری بهترین راه حل خواهد بود. چون با رعایت مقررات این کنوانسیون ها بسیاری از کاستی های قوانین ایران در این زمینه رفع خواهد شد و نه تنها ایران به حقوق آثار خارجی احترام خواهد گذاشت بلکه حقوق آثار ادیبان و هنرمندان ایرانی نیز در سایر کشورها محفوظ خواهد ماند. این در حالی است که در حقوق آمریکا، مالکیت معنوی شامل حقوق مربوط با آثار ادبی، هنری و علمی؛ نمایش های هنرمندان بازیگر، صدای ضبط شده، برنامه های رادیویی اختراعات در کلیه زمینه های فعالیت انسان کشفیات علمی طراحی های صنعتی علائم تجاری، علائم خدماتی، نام های تجاری و عناوین حمایت در برابر رقابت نامطلوب و سایر حقوقی که ناشی از فعالیت معنوی در قلمرو صنعتی، علمی، ادبی و هنری می باشد و حتی در زمینه سوء استفاده و کپی برداری نیز نهایت پیشگیری انجام می گیرد.

واژگان کلیدی: حقوق، مالکیت ادبی و هنری، کپی رایت، حقوق ایران، آمریکا

مقدمه

یکی از اصول بدیهی تحت اختیار هر صاحب حقی، تجویز انتقال حق خود به دیگری است. لذا در صورتی که منع قانونی وجود نداشته باشد، پدیدآورنده اختیار دارد از منافع مالی اثرش شخصاً بهره جوید یا استفاده آن را به غیر، واگذار کند. با توجه به منطبق ماده ۵ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸)، به نظر می‌رسد کلیه حقوق مادی پدیدآورنده، قابل انتقال به غیر (اختیاری و قهری) است و این قابلیت به موجب قرارداد و یا از طریق ارث و وصیت منتقل می‌شود. (حیدریان دولت‌آبادی، مظاهری کوهانستانی، ۱۳۹۹: ۲۱۱ تا ۲۳۷)

لذا دارنده اثر ادبی و هنری می‌تواند اجازه بهره‌برداری تدریجی از آثارش را به دیگران بدهد و در قبال آن مبلغی را دفعه‌تاً دریافت نماید. این همان چیزی است که در قراردادهای میان صاحبان اثر و مؤسسه‌های انتشاراتی اتفاق می‌افتد تا به موجب آن صاحب اثر به دیگری اجازه دهد که اثرش توسط دیگران به چاپ و به فروش برسد. همین اتفاق در مورد ترجمه آثار ادبی و هنری نیز صادق است تا به موجب آن دارنده اثر به مترجم اجازه دهد اثرش را به ترجمه رسانیده و سپس آن را به چاپ و فروش برساند. (شفیعی شکیب، ۱۳۹۱: ۸۵)

حقوق مالکیت ادبی و هنری به عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه فرهنگی و اقتصادی، در هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا با چالش‌های ساختاری و کارکردی مواجه است. در ایران، عدم الحاق به معاهدات بین‌المللی مانند کنوانسیون برن، خلأیی حقوقی ایجاد کرده که آثار ایرانی را در سطح جهانی بی‌پناه می‌گذارد. این مسئله به ویژه در فضای سایبر مشهود است، جایی که نقض گسترده حقوق پدیدآورندگان از طریق داندلود غیرقانونی و انتشار آثار بدون مجوز، تبدیل به رویه رایجی شده است. از سوی دیگر، ضعف ضمانت‌های اجرایی و ناآگاهی هنرمندان از حقوق خود، باعث شده حتی قوانین موجود داخلی (مانند قانون حمایت از مولفان ۱۳۴۸) به صورت ناقص اجرا شوند.

در مقابل، آمریکا با وجود پیشرو بودن در تدوین قوانین کپی‌رایت (مانند قانون ۱۹۷۶)، با چالش‌های نوظهوری در عصر دیجیتال روبروست. تکثیر غیرمجاز آثار در پلتفرم‌های آنلاین و دشواری رصد نقض حقوق در فضای بی‌مرز اینترنت، اجرای قوانین را پیچیده کرده است. همچنین، تعارض منافع بین حقوق اقتصادی و دسترسی عمومی به آثار، به ویژه در مورد آثاری که مدت حمایت کپی‌رایت آنها به پایان نرسیده، بحث‌های حقوقی گسترده‌ای را دامن زده است. شایان توجه است که تفاوت‌های بنیادین در رویکردهای حقوقی این دو کشور، چالش‌ها را تشدید می‌کند:

ایران با تأکید بر «حقوق معنوی پدیدآورنده» و محدودیت‌های فرهنگی-مذهبی، قوانین داخلی را به استانداردهای جهانی نزدیک نمی‌کند آمریکا با اولویت دادن به «حقوق اقتصادی» و الحاق به معاهداتی مانند TRIPS، در پی سلطه اقتصادی بر بازارهای جهانی مالکیت فکری است. این تفاوت‌ها در بازار هنر معاصر نمود عینی پیدا می‌کند: در حالی که حراجی‌های هنری ایران با چالش‌هایی مانند تشکیک در اصالت آثار و نبود سیستم یکپارچه گواهی مالکیت دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بازار هنر آمریکا با مسائلی مانند تعارض منافع بین موزه‌ها و مالکان خصوصی آثار تاریخی-فرهنگی مواجه است. این چالش‌ها نشان می‌دهد که تحولات حقوق مالکیت ادبی و هنری در هر دو کشور، نیازمند بازنگری در سازوکارهای قانونی، تقویت نهادهای ناظر و توسعه آموزش‌های تخصصی در سطح جامعه است.

درحالی‌که حق مالکیت یک حق دائم است و موقت بودن آن خلاف قاعده و اصول حقوقی است و برای اثبات آن نیاز به دلیل داریم. اما می‌توان با توسل به مفهوم «دانش جمعی» به این شکل که پدیدآورنده به دانش جمعی چیزی افزوده است، تا تقسیم منافع به لحاظ مرور زمان پذیرفتنی باشد، از دائم بودن مالکیت به موقت بودن آن تغییر موضع داد. حمایت از حقوق مادی، ازجمله این موارد است که محدود به زمان معینی است و با توجه به قانون کپی‌رایت کشورهای مختلف، این مدت نیز متغیر و

متفاوت است. معمولاً این حمایت محدود به ۵۰ و ۷۰ سال است تا پس از انقضای مدت مذکور، اثر جزو دارایی جامعه محسوب شود و هر کس بتواند با رعایت حفظ امانت و حقوق اخلاق پدیدآورنده، از آن بهره‌برداری کند. (رهبر، ۱۳۸۴: ۷۸)

مقتن داخلی این مدت را از تاریخ مرگ صاحب اثر، سی سال قراردادهاست (ماده ۱۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان). درحالی‌که برخی از کشورها، مدت طولانی‌تری را در نظر گرفته‌اند. مثلاً قانون کپی‌رایت آمریکا (۱۹۶۸) مدت حمایت از تسهیلات و آثار هنری، ادبی، علمی، موسیقی و دراماتیک را ۵۰ سال پیش‌بینی کرده است یکی از حقوق‌دانان دلیل محدودیت را استفاده عموم و امکان دسترسی جامعه به اثر تلقی می‌کند و معتقد است که این آثار به‌مرور جزو دارایی فکری و معنوی جامعه می‌شود (صفایی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). اثر پس از سپری شدن این دوران، وارد اموال عمومی و قلمرو جامعه شده و پدیدآورنده، حق انحصاری خود را از دست می‌دهد. هر فردی بدون این‌که مجبور باشد از دارنده اثر مجوز کسب کند، می‌تواند از این آثار بهره‌برداری کند (ساعد وکیل، ۱۳۹۳: ۴۸). برخی دیگر فایده‌گرایی، تشویق و ترغیب پدیدآورندگان این آثار را مبنای حمایت کوتاه‌مدت می‌دانند تا رعایت آن علاوه بر نفی انحصارطلبی، منافع جامعه و ایجاد زمینه رقابت بین رقبای فراهم سازد.

این حق برای نخستین بار در قرن هجدهم میلادی، توسط امانوئل کانت دانشمند و فیلسوف آلمانی، شناسایی و به دنبال آن توسط دیگر حقوق‌دانان تأیید شد. در سال ۱۹۲۸ برای نخستین بار کنفرانس بین‌المللی رم، حق اخلاقی مؤلف را به‌طور رسمی شناساند و به دولت‌های عضو اتحادیه برن توصیه کرد که قوانین حق مؤلف را در این زمینه کامل کنند (مشیریان، ۱۳۹۹: ۳۹).

حق اخلاقی ماهیتی مختلط از حقوق مالی و حقوق غیرمالی و مرتبط با شخصیت پدیدآورنده آن است. این اختلاط، به‌ویژه در فرضی که صاحب اثر حق انتشار اثر خود را به دیگران واگذار می‌کند، به‌وضوح دیده می‌شود. در این موارد آنچه انتقال‌یافته است چهره مالی حق تألیف و بهره‌برداری از انتشار اثر است و حق شخصی دارنده اثر، در دفاع از اثر خود و تجدیدنظر در آن‌همچنان باقی است و مانند سایر حقوق غیرمالی به دیگران انتقال نمی‌یابد (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۲۴). در باب محترم شمردن حق اخلاقی که مربوط به شخصیت مؤلف است، بدون شک این حق مشروع است و حکم به عدم مشروعیت آن نیاز به دلیل دارد (گرجی، ۱۳۹۱: ۳۳). لذا اصل بر بقای این دسته از حقوق است که در نظام حقوقی ایران به جهت تأثیر آن از نظام رومی ژرمنی نیز موردعنایت و توجه قرار گرفته است.

قانون‌گذار ایران این دسته از حقوق را با عنوان «حقوق معنوی» مطرح کرده است، بدون این‌که از آن تعریفی ارائه کرده باشد (ماده ۱۴ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان). باین‌حال، شکی نیست که اثر فکری در پرتو این نوع حمایت، از هر نوع تغییر، تبدیل، نقص اثر که موجبات ورود لطمه به حیثیت، شرافت و شهرت صاحب آن است، مصون می‌ماند. چراکه حقوق اخلاقی، از حقوقی است که به‌موجب آن کلیه اشخاص در به رسمیت شناختن مالکیت اخلاقی مؤلف و انتساب آن به وی ملزم می‌باشند، بدون این‌که حق تجاوز به تمامیت اثر یا بخشی از آن داشته باشند. بنابراین می‌توان قلمرو حقوق اخلاقی را شامل حق انتساب اثر به پدیدآورنده آن، حق حرمت و تمامیت اثر، حق تصمیم‌گیری، حق عدول و حق استرداد دانست.

این دسته از حقوق تقریباً در قوانین داخلی غالب کشورهای جهان به‌صورت منفک از حقوق مادی پیش‌بینی شده است. در قوانین موضوعه کشورهایی که این دسته از حقوق لحاظ نگردیده، مسئله حمایت از حقوق اخلاقی به محاکم واگذار شده است تا رویه قضایی حاکی از تأیید و احترام به آن باشد. صرف‌نظر از این‌که ثبات، دوام و پیوستگی همیشگی این حق با شخصیت صاحب اثر نیز مؤید همین رویه باشد تا نه‌تنها امکان انتقال و واگذاری حقوق اخلاقی وجود نداشته باشد بلکه حمایت از آن، محدود به زمان و مکان نیز نباشد و اثر را در هر کشوری که باشد، موردحمایت قرار دهد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۶۵)

این در حالی است که در عرصه بین‌الملل نیز بر این رویکرد مهر تأییدی خورده است. به شکلی که موافقت‌نامه تریپس نیز به الزام دول متعهد در رعایت حقوق اخلاقی اشاره کرده است، بدون این که برای آن ضمانت اجرایی خاصی در نظر گرفته باشد (بند دوم ماده ۲). اما این عملکرد چه فایده‌ای می‌تواند در جهت تأمین اهداف تدوین و تصویب موافقت‌نامه تریپس داشته باشد؟ بدیهی است زیر پا گذاشتن این دسته از حقوق در مورد دولت‌هایی که به کنوانسیون برن نپیوسته‌اند، با ملحوظ قراردادن تعهد ایشان به مفاد موافقت‌نامه تریپس هیچ‌گونه ضمانت اجرایی در پی ندارد. البته برخی عدم پیش‌بینی حمایت از حقوق اخلاقی در موافقت‌نامه تریپس، را ناشی از منطق صرفاً اقتصادی و مبتنی بر رقابت آزاد و توجه به منافع تجاری شناخته‌اند تا اهمیت دادن به حق مادی صاحبان اثر، آن را اقتضا کند اما به نظر می‌رسد چنین رویکردی قابل دفاع نباشد. چراکه کمتر صاحب اثری یافت می‌شود که جنبه مادی اثرش را به جنبه اخلاقی آن ترجیح دهد و حاضر باشد برای کسب منافع مادی از مصونیت اثرش از تحریف، تغییر و انتساب آن به دیگران، چشم‌پوشی کند.

درحالی که به لحاظ پیشرفت دانش و فناوری، هرروز نمونه‌های جدیدی از آثار فکری پدید می‌آید، طبیعی است که این سؤال مطرح شود؛ آیا پدیده‌های نوظهور هم از حمایت‌های قانونی کپی‌رایت برخوردار هستند؟ برای شناسایی آثاری که مورد حمایت‌های قانونی هستند، نیاز به «موضوع شناسی» کپی‌رایت داریم تا روشن شود که چه مواردی تحت حمایت کپی‌رایت قرار می‌گیرند که از این طریق بتوانیم در مورد تسری یا عدم تسری آن به سایر موارد نوظهور تصمیم بگیریم.

مقنن آثار مورد حمایت را در ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان به شرح ذیل معرفی کرده است:

- (۱) کتاب، رساله، جزوه، نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی، فنی و ادبی و هنری؛
- (۲) شعر، ترانه، سرود و تصنیف به هر ترتیب و روشی که نوشته و ضبط و نشر شده باشد؛
- (۳) اثر سمعی و بصری، به‌منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش رادیو یا تلویزیون، به هر ترتیب و روشی که نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد؛
- (۴) اثر موسیقی، به هر ترتیب و روشی که نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد؛
- (۵) نقاشی، تصویر طرح، نقشه جغرافیایی ابتکاری، خط‌های تزئینی و هرگونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر ترتیب و روشی به‌صورت ساده یا تزئینی به وجود آمده باشد؛

و سپس در قوانین بعدی حمایت از گزارش پژوهشی، پایان‌نامه و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای (ماده ۱۶۰ قانون پنج‌ساله برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مصوب ۱۳۹۹/۱/۱۷) و نیز آثار رایانه‌ای (قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۱۰) را به این مجموعه اضافه کرده است.

این در حالی است که اکتفا به این حد پاسخ‌گوی نیازهای جامعه نمی‌باشد و باید در قبال آثار مشابه نیز چاره‌اندیشی شود. به همین لحاظ در پیش‌نویس لایحه مربوط به حق مالکیت ادبی و هنری سعی شد تا به پیشنهاد حمایت آثاری از قبیل آثار هنری کاربردی، آثار اقتباسی از قبیل ترجمه، اقتباس، تنظیم، تلخیص و هرگونه تغییر شکل یا اصلاح آثار و مجموعه آثار، مجموعه داده‌ها و پایگاه‌های داده‌ها اعم از اینکه دارای شکلی باشند که با رایانه قابل خواندن است یا شکل دیگری داشته باشند، مجموعه آثار فرهنگ‌عامه به‌شرطی که این‌گونه مجموعه‌ها از حیث جمع‌آوری آن‌ها یا ترتیب محتویات اصیل و بدیع باشند، نیز پرداخته شود و حتی برخی موارد، از جمله موارد ذیل، از این حمایت مستثنا قرار داده شوند (ماده ۵ پیش‌نویس).

- (۱) هرگونه فکر، شیوه، سیستم، روش کاری، مفهوم، اصل، اکتشاف یا داده‌های محض حتی اگر در یک اثر بیان‌شده، توصیف‌شده، توضیح داده‌شده، به تصویر کشیده شده یا گنجانده‌شده باشد؛
- (۲) هرگونه متن رسمی با ماهیت تقنینی، اداری، حقوقی و همچنین ترجمه رسمی آن‌ها.

این در حالی است که در کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی، مالکیت معنوی شامل حقوق مربوط با آثار ادبی، هنری و علمی نمایش‌های هنرمندان بازیگر، صدای ضبط‌شده، برنامه‌های رادیویی اختراعات در کلیه زمینه‌های فعالیت انسان کشفیات علمی طراحی‌های صنعتی علائم تجاری، علائم خدماتی، نام‌های تجاری و عناوین حمایت در برابر رقابت نامطلوب و سایر حقوقی که ناشی از فعالیت معنوی در قلمرو صنعتی، علمی، ادبی و هنری می‌باشد (ماده ۸ همان کنوانسیون). کنوانسیون برن نیز آن را شامل «...تمامی آثار ادبی، علمی و هنری، هر آنچه که ممکن است زیر عنوان کتاب یا جزوه انتشار یابد، نوشته‌های مربوط به کنفرانس‌ها، خطابه‌ها، سخنرانی‌ها، نمایش‌نامه‌ها، نمایش‌نامه‌های موزیکال، طراحی رقص، نمایش‌نامه‌های کمدی و تفریحی، پانتومیم، تصنیف، موسیقی با کلام یا بدون کلام، فعالیت‌های سینمایی و کارهای مرتبط با آن، نقاشی، طراحی، معماری، مجسمه‌سازی، گراور، لیتوگرافی (چاپ سنگی)، آثار عکاسی (هر آنچه با تصویر بیان می‌شود)، عکس، آثار هنرهای کاربردی، کارهای مصور، نقشه‌کشی، طراحی کارهای سه‌بعدی مرتبط با جغرافیا، نقشه‌برداری آثار معماری و یا علمی...» دانسته است (بند اول ماده ۲ کنوانسیون برن).

با این وجود، آثار موردحمایت در موافقت‌نامه تریپس به تفکیک مورد اشاره قرار نگرفته است. این موافقت‌نامه در راستای حمایت از کپی‌رایت به مفاد ماده ۲ کنوانسیون برن که درباره آثار موردحمایت می‌باشد، اشاره کرده است. البته تدوین‌کنندگان موافقت‌نامه تریپس از این حیث که حمایت از آثار رایانه‌ای با توجه به اقتضای زمان در کنوانسیون برن مورد اشاره قرار نگرفته است، عنایت خاصی داشته‌اند. بهره‌گیری از آثار رایانه‌ای با توجه به سال تصویب کنوانسیون برن (۱۸۸۶) به اندازه سال تصویب موافقت‌نامه تریپس (۱۹۹۵) دارای معضلات کمتری بود و نیاز به حمایت بین‌المللی از آن احساس نمی‌شد. صرف‌نظر از اختلافاتی که در مورد تعلق نرم‌افزارهای رایانه‌ای به حق مالکیت صنعتی یا مالکیت ادبی و هنری وجود دارد، اقدام سازمان جهانی مالکیت معنوی در تصویب پیش‌نویس معاهده‌ای که در زمینه سؤالات مرتبط به حمایت از آثار ادبی و هنری می‌باشد، قابل توجه است. به موجب این پیش‌نویس، آثار رایانه‌ای به عنوان مصداقی از آثار ادبی، در چارچوب مفهوم ماده دوم کنوانسیون برن قرار گرفت و حتی این حمایت به نمایش برنامه‌های رایانه‌ای در اشکال مختلف نیز سرایت داده شد. (آیتی، ۱۳۹۵: ۸۶) تدوین‌کنندگان موافقت‌نامه تریپس که حمایت از آثار ادبی را به کنوانسیون برن ارجاع داده بودند، نیز این مسئله را مورد توجه قرار دادند و در ذیل ماده ۱۰ موافقت‌نامه به صورت جداگانه به حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای اشاره نمودند تا به موجب آن برنامه‌های کامپیوتری تحت حمایت قرار گیرند.

سوابق و مبانی نظری پژوهش

میر شمسی، (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان کپی‌رایت در مطبوعات نشان داد حقوق مؤلف مجموعه حقوق خصوصی و فردی است که به موجب قانون به دارنده و آفریننده یک اثر ادبی و هنری به پاس داشت تلاش فکری و خلاقانه او داده می‌شود تا بدین ترتیب هم بتواند از منافع و مزیت‌های ناشی از آن بهره‌برد و هم این که از اثر خود در مقابل دیگران حمایت نماید. این حقوق در مقررات حوزه مطبوعات آن‌طور که شایسته است مطرح نشده است. مطبوعات عهده‌دار اطلاع‌رسانی به جامعه بوده و رسالت روشن ساختن افکار عموم افراد جامعه را بر دوش می‌کشند و از این‌روی ممکن است در راستای انجام این رسالت حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری را نقض نمایند. ایجاد تعادل بین حقوق مطبوعات و آزادی آن‌ها از یک‌سوی و حقوق مؤلفین از سوی دیگر، امری ضروری است که باید مدنظر قانون‌گذاران ملی و بین‌المللی قرار گیرد. اصل بر آن است که حقوق مؤلف اعم از حقوق مادی و معنوی موردحمایت قرار گیرد و نقضی نسبت به آن صورت نگیرد. اما درجایی که هدف، اطلاع‌رسانی به

عموم افراد جامعه باشد، نقض کپی‌رایت مشمول استثنائاتی است که باید موردبررسی قرار گیرد. در این پژوهش حقوق مؤلف در مطبوعات بررسی تأثیر متقابل آن دو با یکدیگر تبیین می‌شود.

رهبری و نجات زادگان (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی انواع پیوندهای اینترنتی از منظر نظام حق مؤلف نشان داد امروزه تصور طراحی یک وبگاه اینترنتی بدون استفاده از پیوندها دشوار است. پیوندهای اینترنتی در یکی از سه قالب پیوندهای فرامتنی، تصویری و پنجره‌ای، کاربران را به سرعت و سهولت در فضای وب به گردش در می‌آورند، امری که ممکن است حقوق انحصاری صاحبان آثار فکری را در مخاطره قرار دهد. مهم‌ترین نقطه تلاقی چالش‌های پیوندهای اینترنتی با مالکیت‌های فکری، در چارچوب نظام کپی‌رایت و موارد احتمالی تعدی به حق‌دارنده‌ی آن متبلور می‌شود. این مقاله می‌کوشد در بستری فنی و حقوقی، اقسام لینک‌ها و کارکرد هریک را در فضای دیجیتال بررسی کرده و حقوق صاحبان وبگاه‌ها را در مواجهه با پیوندهای اینترنتی تبیین سازد. همچنین این پژوهش تلاش می‌کند تا در پرتو رویه‌ی قضایی و قواعد تثبیت‌شده حق مؤلف در کشورهای پیشرو و موازین مربوطه در حقوق ایران و به خصوص مقررات قانون تجارت الکترونیک مواردی را که احتمال دارد پیونددهی به نقض کپی‌رایت منجر شود از موارد مشروع بازشناسی و تبیین نماید.

مفهوم حق نشر

حق نشر یا کپی‌رایت مجموعه‌ای از حقوق انحصاری است که به ناشر یا پدیدآورنده اعطا می‌شود. حق نشر (کپی‌رایت) حقی است که به یک اثر اصیل و منحصر به فرد تعلق دارد و شامل حقوقی مانند انتشار، تکثیر و نسخه‌برداری از اثر می‌شود. در بیشتر حوزه‌های قضایی، حق نشر از زمان خلق اثر اعطا می‌شود و نیازی به ثبت ندارد. کپی غیرقانونی و سرقت ادبی جرم است و کسانی که سعی در استفاده غیرقانونی از آثار هنری دیگران دارند، مجرم هستند. صاحب اثر می‌تواند با درج نام خود روی اثر و اضافه کردن تاریخ و امضا، تاریخ خلق آن را حفظ کند تا در صورت نیاز به مدرک بتواند به آن استناد کند. (میرحسینی، ۱۳۹۵، ص. ۳۷)

قوانین حق نشر در ایران، تلاشی قانونی برای حمایت از حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده یک اثر است. این حق شامل حق نشر، توزیع، ارائه و اجرای آن اثر و در واقع حق بهره‌برداری مادی و معنوی از آن می‌شود. این قانون در ژانویه ۱۹۶۹ توسط شورای ملی وقت تصویب شد و در واقع نسخه ترجمه شده کنوانسیون برن بود. (میرحسینی، ۱۳۹۵، ص. ۱۹)

مفهوم حقوق مالکیت فکری در ایران

دسته دیگری از مالکیت فکری، حقوق مادی است که شامل اعطای بهره‌برداری مالی و منافع تجاری از مالکیت فکری و در نتیجه، اعطای درآمد حاصل به مالک مادی که شخص حقیقی یا حقوقی است، می‌شود. (مطهری، ۱۳۹۷، ص. ۱۸)

مفهوم حق نشر در حقوق آمریکا

قانون حق نشر هزاره دیجیتال یا **DMCA**، قانونی در ایالات متحده است که استفاده غیرقانونی از مطالب دارای حق نشر را جرم‌انگاری می‌کند. اگرچه این قانون متعلق به ایالات متحده است، اما اثرات مثبت آن را می‌توان در بسیاری از کشورهای جهان مشاهده کرد. طبق این قانون، اگرچه وبسایت‌های مختلف در نقاط مختلف جهان قابل دسترسی هستند، اما باید طبق قوانین کشوری که سرورهای آنها در آن قرار دارد، عمل کنند. به عنوان مثال، سرورهای یوتیوب در ایالات متحده قرار دارند و

اگر شخصی ساکن کانادا یا هر نقطه دیگری از جهان باشد، با هر محتوایی که در یوتیوب آپلود کند، طبق قوانین ایالات متحده رفتار خواهد شد. به عبارت دیگر، قانون حق نشر هزاره دیجیتال یا **DMCA** برای جلوگیری از سرقت محتوا وضع شده است.^۱

حقوق و دستمزد مالکیت کپی رایت :

هدف اصلی قانون کپی رایت، حفاظت از زمان، تلاش و خلاقیت خالق اثر است. به همین و بس. سفارش، قانون کپی رایت، درست مالکیت قانونی ویژه ذره برای مفعول مستقیم در اقتدار شما انتصاب مه حقوقی که بده. دستگاه برای مالک اثر ملاحظه آنها تبدیل می‌شوند شامل شدن از :

- تولید دوباره اثر
- خلقت اثرات و آثار مشتق (کار) دیگر روشن اساس کار اصلی)
- توزیع نسخه سلام کار با فروش
- اجاره یا انتقال مالکیت دیگر
- انجام شد کار به صورت عمومی
- نمایش کار به صورت عمومی

منابع حقوق مالکیت ادبی و هنری

کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی

پیش از ورود به بحث، اشاره به این نکته ضروری است که در این حوزه دو دیدگاه و دو سیستم با رویکردهای متفاوت وجود دارد:

نظام حمایتی (حقوق مالکیت ادبی و هنری)

این رویکرد از دیدگاه‌های حقوقی موجود در فرانسه سرچشمه گرفته و در کشورهایی با نظام حقوقی رومی-ژرمنی گسترش یافته است. از ویژگی‌های این نظام این است که اولاً حمایت از حق نشر را بدون هیچ قید و شرطی و تشریفاتی می‌پذیرد، ثانیاً از پدیدآورنده اثر (نه خود اثر) حمایت می‌کند و اثر را وابسته به شخصیت و هویت صاحب آن می‌داند. ثالثاً برای حقوق معنوی پدیدآورنده اثر اهمیت زیادی قائل است. کنوانسیون برن محصول این نظام و رویکرد است. (امامی، ۱۳۹۶: ۵۴)

نظام حمایت از حق نشر

این رویکرد در کشورهایی با نظام‌های حقوقی عرفی مانند انگلستان و ایالات متحده آمریکا سرچشمه گرفته است. در این نظام، اثری مورد حمایت قرار می‌گیرد که قبلاً ثبت شده باشد و نام پدیدآورنده، سال اولین انتشار و نماد (C) به طور واضح و مشخص روی اثر چاپ شده باشد. در نظام حق نشر، اثر (نه صاحب اثر) مورد حمایت است و مانند هر کالای دیگری، می‌تواند به طور کامل واگذار و منتقل شود و از این نظر، اثر فاقد هرگونه رابطه‌ای با شخصیت و هویت صاحب اثر است. تلاش‌های طرفداران این نظام منجر به تغییراتی در کنوانسیون برن و تصویب کنوانسیون ژنو شد. با این حال، در حقوق داخلی ما،

^۱ - بخش ۱۰۱ از ۱۷ قانون اساسی ایالات متحده: «کار دولت ایالات متحده، کاری است که توسط یک مأمور یا کارمند دولت ایالات متحده به عنوان بخشی از وظایف رسمی آن شخص تهیه شده است.»

می‌توانیم به وضوح شاهد تأثیرات نظام حق نشر باشیم، مانند تأثیرات آشکار سایر جنبه‌های حقوق فرانسه بر قوانین اصلی کشور (قانون مدنی، قانون تجارت و قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۰).

توافق‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به حق نشر شامل سه مورد هستند:

- ۱- کنوانسیون برن (۱۸۸۶)
- ۲- کنوانسیون ژنو (۱۹۵۲)
- ۳- معاهده وایپو یا توافق‌نامه حق نشر سازمان جهانی مالکیت معنوی (۱۹۹۶) (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۱)

کنوانسیون برن

کنوانسیون برن را باید مهمترین معاهده بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری دانست که اکثر کشورها به آن پیوسته‌اند و پذیرش بیست ماده اول آن از شرایط عضویت در سازمان تجارت جهانی و سازمان جهانی مالکیت معنوی است. این کنوانسیون که با هدف تضمین حمایت بین‌المللی و یکسان از حق نشر در ۶ سپتامبر ۱۸۸۶ ایجاد شد، از دو روش مشخص استفاده می‌کند: اول، ایجاد یک اتحادیه مجازی که در چارچوب آن قاعده اساسی (رفتار ملی) اعمال می‌شود و دوم، تعیین قواعد حمایتی برای حمایت از پدیدآورنده که برای کشورهای عضو الزام‌آور است. بنابراین، پدیدآورنده و دارندگان حق نه تنها می‌توانند به قوانین داخلی کشور خود تکیه کنند، بلکه اگر این حمایت‌ها را برای خود مفیدتر ببینند، می‌توانند از حداقل حمایت‌های کنوانسیون در این کشورها بهره‌مند شوند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، صص. ۲۰۲-۲۰۱)

کنوانسیون ژنو

کنوانسیون ژنو در مورد حق نشر که در ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ تصویب شد، به ابتکار یونسکو و با تشویق ایالات متحده تشکیل شد. مهمترین هدفی که این کنوانسیون دنبال می‌کرد، پیوستن کشورهایی بود که از حمایت کمتری نسبت به کنوانسیون برن برخوردار بودند. به عبارت دیگر، این کنوانسیون تلاش می‌کند تا شکاف بین دو سیستم حق نشر و حق تألیف را پر کند. مفاد کنوانسیون ژنو، به ویژه در مورد مدت زمان حمایت از آثار، در مقایسه با معاهدات و مقررات مشابه بین‌المللی و اروپایی، نوعی پسرفت و سیر قهقرای را نشان می‌دهد. توضیح بیشتر در بخش تحولات ارائه خواهد شد. (مطهری، ۱۳۹۷، صفحات ۵۸-۵۹)

معاهده وایپو (WCT)

از سال ۱۹۹۴، سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) در حال به‌روزرسانی کنوانسیون برن است تا تحولات ناشی از توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، مانند نرم‌افزار، پایگاه‌های داده و مبادلات الکترونیکی را پوشش دهد. در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۶، این معاهده به شکل یک توافق‌نامه ویژه تحت ماده ۲۰ کنوانسیون برن منعقد شد. ماده ۲۰ کنوانسیون برن: (کشورهای اتحادیه حق انعقاد توافق‌نامه‌های ویژه را به گونه‌ای محفوظ می‌دارند که چنین توافق‌نامه‌هایی به نویسندگان حقوقی گسترده‌تر از آنچه در این کنوانسیون پیش‌بینی شده است، اعطا کنند، یا اینکه مقررات دیگری را که با این کنوانسیون مغایرت ندارد، پیش‌بینی کنند...)

بند ۴ ماده ۱ معاهده وایپو تصریح می‌کند که کشورهای عضو باید قوانین داخلی خود را با مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن مطابقت دهند. جمهوری اسلامی ایران تاکنون عضو هیچ معاهده‌ای در رابطه با حقوق مالکیت ادبی و هنری نبوده است، اما به

دلیل عضویت در اتحادیه پاریس (در مورد حمایت از مالکیت صنعتی) بر اساس مواد ۴ و ۵ کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی، توانسته است به عضویت آن سازمان درآید و از مزایای آن بهره‌مند شود. (میرحسینی، ۱۳۹۵، ص. ۵۲)

قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۰)

این قانون چهار سال پس از قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان و با هدف حمایت بیشتر و دقیق‌تر از ترجمه، به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

این قانون به هیچ وجه با قانون حمایت مصوب ۱۳۴۸ مغایرت ندارد و این موضوع در ماده ۱۱ ذکر شده است و تنها دلیل تصویب این قانون رفع ابهامات در مورد ترجمه آثار بوده است و ملاک قضایی برای آثار ترجمه شده است. (اسلامی، ۲۰۱۸، ص. ۷۸)

قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، مصوب ۴/۱۰/۱۳۹۸

حوزه نرم‌افزار رایانه‌ای یکی از حوزه‌های جدیدی است که هنگام تصویب قانون حمایت در سال ۱۹۶۹ وجود نداشت و بنابراین نمی‌توانست موضوع قانون‌گذاری باشد. (شفیعی ۲۰۱۲)

در سال ۲۰۱۹، اگرچه این حوزه مدتی است که محبوب و شکوفا شده و پیشرفت‌های قابل توجهی در داخل کشور حاصل شده است، اما قانون‌گذاری با کمی تأخیر در حال انجام است و با وجود کاستی‌های اساسی، جنبه‌هایی از این حوزه را تحت پوشش قانونی قرار می‌دهد.

البته در سال ۱۳۹۲ با تصویب آیین‌نامه اجرایی آن قانون، برخی از اشکالات قانونی برطرف شد و تا حدودی نظم و منطق مورد نظر قانونگذار حاکم گردید.

در حال حاضر، مرجع قانونی آثار نرم‌افزاری رایانه‌ای این قانون است و تولیدکنندگان این آثار باید آن را در نظر بگیرند. (حائری، ۲۰۱۹، ص. ۹۹)

سیر تحولات حقوق مالکیت ادبی و هنری در ایران

قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴)

حمایت از حقوق ادبی و هنری در حقوق ایران به لحاظ تاریخی، ابتدا در چارچوب مقررات کیفری و در مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ موضوع فصل یازدهم و در مبحث دسیسه و تقلب در کسب تجارت به‌عمل آمده است.

این مواد ترجمه مواد ۴۲۵ تا ۴۲۹ قانون جزای فرانسه بوده است:

فصل یازدهم: دسیسه و تقلب در کسب و تجارت از قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴

ماده دویست و چهل و پنجم – هر کس تصنیف یا تألیف دیگری را اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیره بدون اجازه مصنف یا مؤلف یا کسی که حق تألیف را از مصنف یا مؤلف تحصیل نموده است کلاً یا بعضاً شخصاً یا به‌توسط دیگری به طبع برساند به تأدیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان محکوم خواهد شد. مجازات فوق مقرر است ولو اینکه مرتکب تصرفات جزئی هم در تصنیف یا تألیف که بدون اجازه به طبع رسانیده است نموده باشد و معلوم شود که تصرفات مزبوره فقط برای حفظ ظاهر و فرار از تعقیب است. (حیدریان دولت‌آبادی، مظاهری کوهانستانی، ۱۳۹۹، صص ۲۱۱ تا ۲۳۷)

ماده دویست و چهل و ششم - کسی که در تألیف یا تصنیف یا تحریرات مطبوعه خود در غیر موردی که اقتباس محسوب می‌شود عین جمل تألیف یا تصنیف یا تحریر دیگری را بدون ذکر اسم مؤلف یا مصنف یا محرر آن ذکر کند به حداقل مجازات مذکور در ماده فوق محکوم خواهد شد. (آیتی، ۱۳۹۵، ۲۰۰)

ماده دویست و چهل و هفتم - هر کس کتاب یا سایر اشیاء مذکوره در ماده ۲۴۵ را با علم و اطلاع بفروشد یا به معرض فروش درآورد یا به خاک ایران وارد کند به تأدیه غرامت از بیست و پنج الی دویست تومان محکوم خواهد شد.

ماده دویست و چهل و هشتم - هر کس تصنیف یا تألیف دیگری را اعم از کتاب و رساله و نقشه و تصویر و غیره به اسم خود یا شخص دیگری غیر از مؤلف طبع نماید به تأدیه غرامت از یکصد الی یک هزار تومان محکوم خواهد شد.

مواد فوق که در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به تصویب رسیده بود، در تاریخ ۱۳۱۰/۳/۲۲ با تصویب متمم قانون مجازات عمومی چنین توضیح داده شد که مواد ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۸ از مواردی است که بر اساس ماده ۶ اصول محاکمات جزایی تعقیب جزایی شروع نمی‌شود مگر به تقاضای مدعی خصوصی و باگذشت مدعی خصوصی، تعقیب نیز متوقف می‌گردد. اگر توجه ویژه شود، ملاحظه می‌گردد که مورد ماده ۲۴۷ در این خصوص استثنای گردیده و این شاید بدین دلیل بوده که دامنه جرم از حیطه شخصی و خصوصی خارج گردیده و گسترش یافته است. لذا رسیدگی به این جرم نیازی به شاکی خصوصی نداشته و در صورت وجود آن نیز باگذشت او متوقف نمی‌گردد. (میر شمسی، ۱۳۹۹: ۲۶)

نظر به ماده (۶) اصول محاکمات جزایی که امکان تعقیب قسمتی از جرم‌ها را موکول به شکایت مدعی خصوصی نموده است در مورد جرم‌های مذکور در موادی که ذیلاً معین است تعقیب جزایی شروع نمی‌شود مگر به تقاضای مدعی خصوصی و اگر مشارالیه شکایت خود را مسترد نمود تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد مگر اینکه متهم سابقاً محکومیت جنحه یا جنایتی داشته باشد.

در صورتی که مدعی خصوصی شکایت خود را مسترد نماید دعوی خصوصی را فقط در محکمه حقوق می‌تواند اقامه بکند. (شمس، ۱۳۹۲: ۱۷۷)

مواد مزبور فوق از قرار ذیل است: قسمت اخیر ماده ۱۷۳ - ماده ۱۷۴ قسمت دوم ماده ۱۹۳ - مواد ۱۹۷ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۳ - ۲۳۹ - ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۴۸ - ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ - ۲۶۰ - ۲۶۲ (با قید عدم شمول ماده ۲۶۳) ۲۶۴ - قسمت اول ماده ۲۶۵ - ماده ۲۶۸ - ۲۷۱ - ۲۷۲. لازم به توضیح است که این مواد بر اساس حکم ماده ۳۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ ملغی گردیده است. مواد قانونی فوق، برای بیش از ۴۴ سال، تنها پشتوانه حقوقی به معنای عام برای حمایت از مالکین ادبی و هنری بوده است که با نگاه کیفری در قانون مجازات عمومی گنجانده شده بود. نوع مجازات و ضمانت کیفری که در مواد قانونی فوق مقرر شده با عنوان غرامت است که مصداق غرامت کیفری می‌باشد. توضیح آنکه غرامت کیفری^۱ مالی است که به صورت وجه نقد محکوم در جنایت (به صورت مجازات تکمیلی) یا جنحه (به صورت مجازات اصلی و یا تکمیلی) یا خلاف (به صورت مجازات اصلی) باید به خزانه دولت بپردازد و از تعهدات او محسوب می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۴۸۸)

قانون‌گذار این جرایم را چه به عنوان جنحه و چه خلاف در نظر گرفته باشد، در هر حال، مجازات غرامت را به عنوان مجازات اصلی در نظر گرفته است و از مسئولیت مدنی مرتکب، حرفی به میان نیاورده است.

1- Amende Penale

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸)

با تصویب این قانون، تحولی شگرف در تئوری‌های حمایتی حاکم بر این حوزه پدید آمد. البته ناگفته نماند که زمان تصویب این قانون مقارن است با زمان آخرین اصلاح کنوانسیون در پاریس در سال ۱۹۷۱ میلادی که به اصلاحیه‌ی پاریس شهرت دارد. از خصوصیات مهم قانون مصوب ۱۳۴۸ آن است که حقوق مادی و حقوق معنوی را برای اولین بار در حقوق داخلی به رسمیت شناخته (ماده ۳) و به تبع آن، تخلف و تجاوز به آن‌ها را مستوجب مجازات دانسته است. این قانون بعد از چندین بار مطرح‌شدن طرح‌ها و لوایح در مجلس شورای ملی، درنهایت در تاریخ ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ به تصویب آن مجلس رسید. اما سابقه‌ی تصویب این قانون بدین شرح است:

بعد از تصویب و اعمال قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴، ابتدا در نیمه دوم سال ۱۳۳۴، طرحی شامل ۹ ماده و ۲ تبصره توسط نمایندگان مجلس شورای ملی در این زمینه مطرح گردید که دارای اشکالات عدیده‌ای بود و پس از ارجاع به کمیسیون فرهنگی به فراموشی سپرده شد. سپس در سال ۱۳۳۶، لایحه تألیف و ترجمه مشتمل بر ۱۶ ماده و ۳ تبصره توسط دولت به مجلس سنا تسلیم شد که بازهم با توجه به اشکالاتی که داشت، عقیم ماند و درنهایت، آخرین طرحی که قبل از قانون مصوب ۱۳۴۸ مطرح گردید، لایحه قانونی حفظ حقوق مؤلف در سال ۱۳۳۹ مشتمل بر ۱۸ ماده و یک تبصره بود. (اسماعیلی، ۱۳۹۵، ص ۴۹)

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان دارای ۳۳ ماده در چهارفصل بوده که با توجه به فصل چهارم آن که اختصاص به تخلفات و مجازات‌ها دارد، آن را دارای وصف کیفری دانسته و در حقوق کیفری از آن بحث می‌گردد. (اسلامی تبار، ۱۳۹۹، صص ۶۷ تا ۹۶)

با توجه و عنایت به وضعیت تصویب این قانون و روح حاکم بر مواد آن می‌توان این قضاوت را داشت که قانون مالکیت فکری فرانسه و نظام رومی ژرمنی بر اصول و شاکله این قانون تأثیر بسزا داشته است. البته از جهت مصادیق حقوق معنوی که در نظام رومی ژرمنی شامل حق افشای اثر یا حق انتشار، حق سرپرستی یا حق احترام به نام و سمت پدیدآورنده، حق تمامیت یا حق احترام به اثر و درنهایت حق عدول یا اصلاح می‌باشد، حقوق داخلی ما نیز مانند نظام کپی‌رایت، فقط دو حق سرپرستی و تمامیت را در قوانین خود لحاظ کرده البته رعایت این حقوق مثل آن نظام، مشروط به ورود خدشه به حیثیت صاحب اثر نگردیده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۸-۱۰۷)

در خصوص حق سرپرستی، ماده ۳ قانون فوق‌الذکر حق بهره‌برداری از نام را به‌عنوان یک حق معنوی دانسته و ماده ۱۸ نیز انتقال گیرنده یا ناشر را مکلف کرده که نام پدیدآورنده را تمام و کمال ذکر کند. جهت تضمین این حکم نیز ماده ۲۳ و ۲۵، انتشار اثر به نام غیر از پدیدآورنده را دارای مجازات دانسته است. اما حق تمامیت یا احترام به اثر که بر اساس آن پدیدآورنده می‌تواند هرگونه تغییر، تحریف و اضافات نسبت به اثر را منع کند، در ماده ۱۹ و ۲۵ این قانون مورد حکم قرار گرفته است.

با تصویب این قانون، اصول راهبردی در حمایت از آثار فکری در ایران را می‌توان این‌چنین برشمرد:

- ۱- اصل عدم‌حمایت از ایده‌ها بدین معنی که اثر باید پیدایش، بیان، ظهور و ایجاد یافته باشد. (ماده ۱)
- ۲- اصل حمایت بدون تشریفات اعم از ثبت اثر و ...
- ۳- اصل عدم اهمیت ویژگی‌های اثر چراکه میزان ارزش هنری، مالی، علمی و فنی اثر اهمیتی ندارد. همچنین است نوع اثر، شکل ارائه اثر، شایستگی اثر و هدف اثر که اهمیتی ندارد.
- ۴- اصل ضرورت اصیل بودن اثر که در آثار ادبی و هنری، اصالت شرط است گرچه تازگی نداشته باشد به خلاف اختراع که هر دو را لازم دارد. (سر سرابین جاکوب و همکاران، مال ۱۳۹۰، ص ۲۲۰)

قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۶)

این قانون به فاصله چهار سال بعد از قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان باهدف حمایت بیشتر و دقیق‌تر از ترجمه به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

علت لزوم تصویب چنین قانونی را شاید بتوان از نگاهی اجمالی به قانون مصوب ۱۳۴۸ و بی‌توجهی به موضوع ترجمه، متوجه شد.

اولاً، از موضوع ترجمه، نه در عنوان قانون مصوب ۱۳۴۸ و نه در هیچ ماده‌ای از فصل اول که اختصاص به تعاریف داشته، بحثی به میان نیامده و اشاره‌ای نیز نگردیده است.

ثانیاً در ماده ۳ که انواع حقوق پدیدآورنده احصا گردیده، در کنار حق انحصاری نشر، پخش، عرضه و اجرای اثر و ... اشاره‌ای به حق ترجمه اثر برای پدیدآورنده نشده است.

اما در دو جا در این قانون، قانون‌گذار از کلمه ترجمه نیز استفاده کرده است که البته در هیچ‌کدام منظوری برای حمایت از ترجمه و مترجم نداشته است.

یکی در بند ۵ ماده ۵ این قانون که پدیدآورنده اثرهای موردحمایت قانون را ذکر کرده که می‌تواند از حقوق مادی خود در مواردی ازجمله ترجمه آن اثر استفاده نماید و این بدین معناست که حقی برای پدیدآورنده از بابت اجازه ترجمه آثارش متصور است نه آنکه مترجم اثر خارجی مورد حکم باشد. فی‌الواقع، این ماده حکم نکرده است که آیا حقوق مادی و معنوی برای مترجم آثار خارجی که البته به دلیل انتشار نیافتن اصل اثر برای اولین بار در داخل کشور نسازی به اجازه پدیدآورنده برای ترجمه نیست و همچنین مترجم آثار داخلی که بعد از اجازه پدیدآورنده اقدام به ترجمه کرده است، متصور است یا خیر. (وزیری همامنه، ۱۴۰۱: ۱۸۵ تا ۱۹۳)

جای دیگری که در قانون مصوب ۱۳۴۸ از ترجمه‌ذکری به میان آمده است، ماده ۲۴ می‌باشد که درحالی‌که قانون‌گذار هنوز حقی برای مترجم قائل نشده و شرایط آن را ذکر نکرده، در این ماده به حق سرپرستی که از حقوق معنوی است برای مترجم اشاره داشته و میزان مجازات برای تخلف از آن را مشخص کرده است.

بعد از توضیحات فوق، شاید بتوان به لزوم تصویب قانونی در خصوص حمایت از ترجمه پی برد. (آیتی، ۱۳۹۵: ۵۲)

قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲، اقدام به تصویب قانونی دوازده ماده‌ای کرد که از خصوصیات زیر برخوردار بوده و هست:

۱- در سه ماده اول، دامنه حقوق موردحمایت در خصوص ترجمه تعیین گردیده و در ماده ۷ مجازات کسانی که عالماً و عامداً خلاف مقررات مذکور در آن سه ماده عمل کنند را تعیین کرده است.

۲- ماده ۳ این قانون تنها حکم قانونی در حقوق ایران است که در آن حمایت از حقوق مجاور استنباط می‌شود.

۳- ماده ۵ و تبصره آن استثنائات احکام ذکرشده در سه ماده اول را بیان داشته است.

۴- در خصوص حقوق یا معامله متقابل، تنها ماده‌ای که در حقوق مالکیت ادبی و هنری ایران به آن اشاره‌شده، ماده ۶ این قانون است.

۵- بر اساس مواد ۱۰ و ۱۱، اصالت و اولویت در اجرای احکام این حوزه با قانون مصوب ۱۳۴۸ می‌باشد.

قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۴

عرصه فضای مجازی و ابزار حرکت و عملیات در این فضا که به نرم‌افزار شهرت یافته، عرصه‌ای جدید نسبت به کتاب، فیلم و موسیقی و امثال آن محسوب می‌گردد. این عرصه جدید دارای پیچیدگی‌ها و وسعت و قابلیت‌های بسیار زیادی است که البته متناسب با وضعیت و سبک زندگی بشر می‌باشد.

فضای مجازی اقتضای حال، مکان و زمان را درنور دیده و به هیچ قیدی جز الزامات و امکانات الکترونیکی پایبند نیست. مفاهیم حقوقی در فضای مجازی قابل‌درک است اما به‌هیچ‌وجه مصادیق آن با مصادیق و نمونه‌های فیزیکی، مادی و ملموس قابل‌مقایسه نیست. (امام و بهمن پوری، ۱۳۹۷: ۱۵۴)

مفاهیم سرقت، حرز، مال و مالکیت، نقل‌وانتقال، خریدوفروش و حتی توهین، افترا و کلاهبرداری در فضای مجازی دارای ویژگی‌های خاص خود است و برخورد حقوقی با آن‌ها نیز باید از جنس آن‌ها باشد.

موضوع بحث ما در این خصوص، فقط حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارها به‌عنوان اثری اصیل است و واضح است که برای ورود به این بحث باید به ویژگی‌های خاص این عرصه توجه داشت و قانون‌گذاری را متناسب با آن انجام داد.

تا قبل از سال ۱۳۹۹، اگرچه موضوع نرم‌افزارها به‌خصوص نرم‌افزارهای داخلی در کشور جدی گرفته نمی‌شد، اما امور حقوقی در این حوزه بر اساس قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان قابل‌رسیدگی بود. البته شاید هیچ اثری از رویه قضایی در آن ایام در خصوص دعوای مربوط به نقض حقوق صاحب نرم‌افزاری منتشر نشده باشد، اما قانون‌گذار در ذیل ماده ۲ قانون مصوب سال ۱۳۴۸، به دو بند ۱۱ و ۱۲ اشاره دارد که در آن تاریخ یا حتی در زمان حاضر نیز قابل استناد است:

ماده ۲: اثرهای موردحمایت این قانون به شرح ذیل است:

بند ۱۱: اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد.

بند ۱۲: هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد.

البته هیچ شکمی نیست که قانون‌گذار در زمان خود هیچ برداشت یا توجهی به این عرصه نداشته لیکن و به کار بردن کلماتی عام همچون (اثر منفی) یا (هرگونه) در قانون‌نویسی حکایت از انواع غیرقابل‌شناسایی یا درک در زمان نگارش قانون است. (طاهری، ۱۳۹۵: ۵۴)

خوشبختانه در سال ۱۳۹۹ قانون‌گذاری در این حوزه صورت گرفته و به این مهم توجه شده است، لیکن با نگاهی به متن مواد این قانون، متوجه نواقصی مهم می‌گردیم.

مهم‌ترین و اولین اشکال این قانون آن است که در عین پیوستگی و وابستگی مطالب و موضوعات این قانون به حوزه مالکیت فکری و به‌خصوص مالکیت ادبی و هنری، هیچ‌گونه اشاره‌ای یا ارجاعی به قوانین موجود در این حوزه نگردیده است.

عدم جامعیت مباحث و عدم شفافیت در طرح موضوعات و ارائه حکم و راهکار از دیگر اشکالات این قانون هفده ماده‌ای است. البته آیین‌نامه این قانون که بر اساس ماده ۱۷ در قالب تصویب‌نامه هیئت دولت تدوین و تصویب گردید، سعی داشته موارد خلأ و ابهامات قانون را مرتفع سازد. این امر، هم از جهت رفع اشکالات دارای نقیصه است و هم از جهت حقوقی قابل‌پذیرش نیست چراکه آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های هیأت دولت و دستگاه‌های اجرایی فقط باید در حوزه داخلی قوانین مرتبط و تصویب گردند و گرنه از وظایف دیوان عدالت اداری آن است که در صورت تشخیص خروج موضوعی، اقدام به ابطال آن‌ها نماید. تصویب‌نامه مذکور در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۲۳ به تصویب هیأت دولت رسیده و دارای سه بخش و ۳۱ ماده می‌باشد. (حلیمی، ۱۳۹۴: ۵۸)

قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۱۷

این قانون دارای ۸۱ ماده در شش باب بوده که فقط در چند مورد به موضوع بحث ما مربوط می‌شود.

قانون‌گذار در ماده ۶ این قانون نکته‌ای اساسی را بیان داشته:

هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، داده‌پیام در حکم نوشته است مگر در موارد زیر:

الف - اسناد مالکیت اموال غیرمنقول

ب - فروش مواد دارویی به مصرف‌کنندگان نهایی.

ج - اعلام، اخطار، هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالا صادر می‌کند و یا از به‌کارگیری روش‌های خاصی به‌صورت فعل یا ترک فعل منع می‌کند.

بعد از حکم برابری داده‌پیام با نوشته، قانون‌گذار در فصلی با عنوان حمایت از حقوق مؤلف در بستر مبادلات الکترونیکی در قالب دو ماده و دو تبصره، احکام در این حوزه را وضع کرده است:

حمایت از حقوق مؤلف^۱ در بستر مبادلات الکترونیکی

ماده ۶۲ - حق تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) آثار تحت حمایت قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۹۲/۹/۲۶ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۴، به‌صورت «داده‌پیام» منحصرأ در اختیار مؤلف است. کلیه آثار و تألیفات که در قالب «داده‌پیام» می‌باشند، از جمله اطلاعات، نرم‌افزارها و برنامه‌های رایانه‌ای، ابزار و روش‌های رایانه‌ای و پایگاه‌های داده و همچنین حمایت از حقوق مالکیت‌های فکری در بستر مبادلات الکترونیکی شامل حق اختراع، حق طراحی، حق مؤلف، حقوق مرتبط با حق مؤلف، حمایت از پایگاه‌های داده، حمایت از نقشه مدارهای یکپارچه قطعات الکترونیکی^۲ و حمایت از اسرار تجاری، مشمول قوانین مذکور در این ماده و قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ و آیین‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۳۹/۴/۱۴ خواهد بود، منوط بر آنکه امور مذکور در آن دو قانون موافق مصوبات مجلس شورای اسلامی باشد. (صفایی، ۱۳۹۵: ۵۵)

تبصره ۱ - حقوق مرتبط با مالکیت ادبی و هنری^۳ که پیش‌ازاین به‌عنوان حقوق جانبی مالکیت ادبی و هنری^۴ شناخته می‌شدند شامل حقوق مادی و معنوی برای عناصر دیگری علاوه بر مؤلف، از جمله هنرمندان مجری آثار، تولیدکنندگان صفحات صوتی و تصویری و سازمان‌ها و مؤسسات ضبط و پخش می‌باشند که مشمول قوانین مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و ۱۳۹۲/۹/۲۶ مورد اشاره در این ماده می‌باشند.

تبصره ۲ - مدار یکپارچه^۵ یک جزء الکترونیکی با نقشه و منطقی خاص است که عملکرد و کارایی آن قابلیت جایگزینی با تعداد بسیار زیادی از اجزای الکترونیکی متعارف را داراست. طراحی‌های نقشه، جانمایی و منطق این مدارها بر اساس قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ و آیین‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۳۹/۴/۱۴

1- Author's Right / Copyright
2- Intergrated Circuits & Chips
3- Related Rights
4- Neighboring Rights
5- Intergrated Circuits

مورد حمایت می‌باشد. ماده ۶۳ - اعمال موقت تکثیر، اجرا و توزیع اثر که جزء لاینفک فراگرد منطقی پردازش (داده‌پیام) در شبکه است از شمول مقرر فوق خارج است. (زرکلام، ۱۳۹۸)

نقض حفاظت از «داده‌پیام» در بستر مبادلات الکترونیکی

نقض حق مؤلف

ماده ۷۴ - هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی با تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) مواردی که در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۹۲/۹/۲۶ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۴، منوط بر آنکه امور مذکور طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی مجاز شمرده شود، در صورتی که حق تصریح‌شده مؤلفان را نقض نماید به مجازات سه ماه تا یک سال حبس و جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. آنچه از مفاد این قانون استنباط می‌شود آن است که مجازی و دیجیتالی بودن محیط هیچ‌گونه تأثیری در اصل حمایت از یک اثر ندارد.

درواقع آنچه در این محیط قرار دارد قالب است که در حمایت از اثر واجد اهمیت نیست زیرا قبل از همه اثر فکری نتیجه فعالیت خلاقانه است که در یک‌شکل بیرونی و مستقل از قالب تجلی پیدا می‌کند.

حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان در بستر مبادلات الکترونیکی از اهمیت فراوانی برخوردار است زیرا اینترنت و محیط الکترونیکی، امکانات بی‌شماری را برای دسترسی به اطلاعات و داده‌ها ایجاد می‌کند به‌گونه‌ای که تحریف، تغییر و حذف داده‌ها از جمله داده‌های مرتبط با آثار ادبی و هنری، با سهولت بیشتری نسبت به محیط مادی انجام می‌گیرد. به‌علاوه، امکان فنی تولید نسخه‌های غیر اصیل از روی اثر اصیل و ایجاد تغییراتی ظریف در نسخه اصلی، تشخیص اصالت را دشوار می‌سازد. (سرابین جاکوب و همکاران، ۱۳۹۶)

قانون اجرای احکام مدنی مصوب اول آبان ماه ۱۳۹۶

این قانون اگرچه درصدد بیان اصولی از حقوق مالکیت ادبی و هنری نیست لیکن در تبصره ماده ۶۵ آثار علمی، ادبی و هنری را از شمول اموال مادی و قابل توقیف، خارج ساخته به رضایت صاحب اثر، توجه ویژه نموده است. استناد به این ماده از قانون اجرای احکام مدنی می‌تواند در جهت اثبات حق افشا به‌عنوان یکی از انواع حقوق معنوی پدیدآورنده باشد.

ماده ۶۵ - اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی‌شود.

۱- لباس و اشیا و اسبابی که برای رفع حوائج ضروری محکوم‌علیه و خانواده او لازم است.

۲- آذوقه موجود به‌قدر احتیاج یک‌ماهه محکوم‌علیه و اشخاص واجب‌النفقه او.

۳- وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان.

۴- اموال و اشیایی که به‌موجب قوانین مخصوص غیرقابل توقیف می‌باشند.

تبصره - تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده، بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آن‌ها بدون رضایت ورثه یا قائم‌مقام آنان توقیف نمی‌شود. (خدمت‌گزار، ۱۳۹۰: ۸۷)

صورت‌برداری اموال منقول

ماده ۶۷ - دادورز (مأمور اجرا) باید قبل از توقیف اموال منقول، صورتی که مشتمل بر وصف کامل اموال از قبیل نوع - عدد - وزن - اندازه و غیره که با تمام حروف و اعداد باشد تنظیم نماید، در مورد طلا و نقره، عیار آن‌ها (هرگاه عیار آن‌ها معین باشد) و در جواهرات اسامی و مشخصات آن‌ها و در کتاب، نام کتاب و مؤلف و مترجم و خطی یا چاپی بودن آن با ذکر تاریخ تحریر یا چاپ و در تصویر و پرده نقاشی خصوصیات و اسم نقاش (اگر معلوم باشد) و در مصنوعات ساخت و مدل و در مورد فرش، بافت و رنگ و در مورد سهام و اوراق بهادار نوع و تعداد و مبلغ اسمی آن و به‌طور کلی در هر مورد مشخصات و خصوصاتی که معرف کامل مال باشد نوشته می‌شود. علاوه بر بحث توقیف اموال، موضوع مستثنیات دین نیز در خصوص کتاب آثار علمی، هم در قانون آیین دادرسی مدنی و هم در قانون محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳ مطرح گردیده است. ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۹۹، مقرر داشته:

مستثنیات دین عبارت است از:

الف، ب ...

ه: کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای علم و تحقیق متناسب با شأن آنان.

قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی نیز ضمن آنکه در ماده ۲۹، ماده ۵۲۴ آیین دادرسی مدنی را منسوخ اعلام داشته لیکن در ماده ۲۴، مجدد همان انشاء بند (ه) ماده ۵۲۴ را در بند (د) آورده است. تفاوت محتوای این دو ماده در این خصوص با محتوای ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی در این است که در ماده ۶۵ به تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده اشاره دارد که دقیقاً موضوع مورد بحث مالکیت ادبی و هنری است ولیکن در ماده ۲۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به کتب و ابزارهای علمی اشاره دارد. واضح است که منظور قانون‌گذار کتاب‌های چاپ‌شده به‌عنوان کالای فرهنگی بوده و اصلاً مخاطب قانون‌گذار در قانون اخیر، پدیدآورنده کتاب نیست. (شمس، ۱۳۹۲)

سیر تحولات حقوق مالکیت ادبی و هنری در کنوانسیون‌های بین‌المللی

کنوانسیون برن

کنوانسیون برن باهدف تضمین حمایت بین‌المللی و یکنواخت از حق مؤلف در ششم سپتامبر سال ۱۸۸۶ میلادی به وجود آمد و از دو شیوه خاص بهره می‌برد: اول، ایجاد اتحادیه مجازی که در درون آن قاعده بنیانی (رفتار ملی) اعمال گردیده و دوم، تعیین قواعد حمایتی در جهت حمایت پدیدآورنده که به کشورهای عضو تحمیل می‌کند. (اشتیاک، ۱۳۷۱).

تحولات این کنوانسیون بدین شرح بوده است که بعد از ششم سپتامبر ۱۸۸۶، سند بنیانی آن در نهم آن ماه تنظیم گردیده و در سال بعد به مرحله اجرا رسید. اصلاحات و تغییرات این کنوانسیون، ابتدا در پاریس سال ۱۸۹۶، سپس برلین ۱۹۰۸، برن ۱۹۱۴، رم ۱۹۲۸، بروکسل ۱۹۴۸، استکهلم ۱۹۶۷ و درنهایت، اصلاحیه پاریس در سال ۱۹۷۱ که به سند پاریس شهرت دارد، صورت گرفته است. آثار مورد حمایت این کنوانسیون شامل کلیه آثار در حیطه تولیدات ادبی، علمی و هنری اعم از کتاب، مجله، سخنرانی، کنفرانس، تابلو نقاشی و موسیقی می‌باشد. حقوق مادی یا اقتصادی احصا شده در کنوانسیون برن شامل حق ترجمه (ماده ۸)، حق تکثیر به هر شیوه یا شکل (ماده ۹)، حق اجرای علنی آثار نمایشی یا نمایشی موسیقی (ماده ۱۱) حق پخش و انتقال به عموم از طریق سیم یا بی‌سیم و پخش مجدد به وسیله بلندگو (ماده ۱۱ مکرر)، حق نقالی (ماده ۱۱)، حق اقتباس (ماده ۱۲)، حق تجویز اقتباس سینمایی و تکثیر و توزیع آثاری که به این طریق ایجاد شده‌اند (ماده ۱۴) و درنهایت، حق تعقیب (ماده ۱۴) می‌باشد.

البته لازم است در اینجا به محدودیت‌ها و استثنائات حقوق مادی در این کنوانسیون نیز اشاره گردد از جمله تکثیر در موارد معین (ماده ۹)، نقل قول و استفاده از اثر با مقاصد آموزشی (ماده ۱۰) و تکثیر برای استفاده در رویدادهای جاری (ماده ۱۰ مکرر).

حقوق معنوی شامل دو حق سرپرستی و احترام به اثر برای اولین بار در معاهدات بین‌المللی، در کنوانسیون برن مطرح گردید. البته این دو حق در کشورهای دارای نظام کامن لا، مشروط به این است که باحیثیت یا شهرت پدیدآورنده منافات داشته باشد. (میرحسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲)

این دو حق حداقل حمایتی است که کنوانسیون مذکور قائل شده است اما بر اساس ماده ۱۹، کنوانسیون مانع از آن نیست که کشورها بتوانند بر اساس قوانین ملی، حقوق بیشتری را برای پدیدآورندگان در نظر گیرند. اصول و قواعد حاکم بر کنوانسیون برن شامل موارد زیر است:

قاعده رفتار ملی یا اصل تشبیه

مفهوم این قاعده آن است که کشورهای عضو کنوانسیون برن باید از برخی آثار خارجی دقیقاً همانند آثار داخلی حمایت کنند. این قاعده را به طور اختصار، «اصل تشبیه» نامیده‌اند. ماده ۱-۵ در خصوص آثار موردحمایت توسط این کنوانسیون، پدیدآورندگان در کشور عضو غیر از کشور مبدأ، از همان حقوق و قوانینی که در حال حاضر یا در آینده برای اتباع آن کشور در نظر گرفته شده، همچنین از حقوق خاصی که برابر این کنوانسیون شناخته شده، بهره‌مند خواهند شد. ملاک حمایت در این ماده، قانون جاری در کشوری است که اثر پدیدآورنده خارجی در آن منتشر شده یا حقوق وی نقض گردیده است. قلمرو حمایت بر اساس دو معیار تعیین می‌شود: معیار ملیت مؤلف (معیار شخصی) و معیار اولین انتشار (معیار واقعی). اگر مؤلف تبعه یک کشور عضو اتحادیه باشد، آثار او موردحمایت است اعم از اینکه منتشر شده یا نشده باشد و در صورت انتشار، محل انتشار هرکجا که باشد و چنانچه مؤلف تبعه یک کشور غیر عضو باشد، جهت برخورداری از حمایت معاهده کافی است که اولین انتشار در یک کشور عضو صورت گیرد یا اینکه انتشار هم‌زمان در یک کشور عضو و یک کشور غیر عضو صورت گیرد. (یزدانی، ۱۳۹۱، صص ۵۴-۳۹)

در حالت اول، باید فقط ملیت مؤلف را مدنظر داشت و در حالت دوم، محل اولین انتشار، البته در حالت اول بر اساس بند ۲ ماده ۳، محل اقامت دائمی در یک کشور، همسان ملیت آن کشور است و در متن معاهده نیز اقامت دائمی اشاره شده است. نکته دیگری که لازم است در انتهای بحث این قاعده مطرح گردد آن است که وقتی از انتشار صحبت می‌شود لاجرم باید اولاً، مفهوم «انتشار» را بیان داشت و ثانیاً، به شرایط و خصوصیات «خاستگاه» توجه نشان داد. انتشار یا چاپ در بند ۳ ماده ۳ معاهده برن (بعد از اصلاحات استکهلم) چنین تعریف شده است:

«آثار چاپ شده آثاری است که با موافقت مؤلفان بدون توجه به نوع ساخت نسخه‌ها، نشر و به منظور رفع نیازهای منطقی عموم با توجه به طبیعت آثار در اختیار جامعه قرار می‌گیرد. عرضه یک اثر درام، درام - موسیقی یا سینمایی، اجرای یک اثر موسیقی از حفظ خواندن یک اثر ادبی در مقابل عموم ارسال یا پخش رادیویی آثار ادبی و هنری، به نمایش گذاشتن اثر هنری و ساخت یک اثر معماری، چاپ (انتشار) محسوب نمی‌شود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، صص ۲۰۲-۲۰۱) شرایط ذکر شده در معاهده برای آثار قابل حمایت، می‌توانند مشابه قوانین داخلی کشورهای عضو یا غیر عضو اتحادیه نباشد. به همین سبب، باید به روشی واحد برای تعیین کشور «خاستگاه» رسید. مطابق بند ۴ ماده ۵: «کشورهای زیر کشور خاستگاه محسوب می‌شوند:

الف) برای آثاری که برای اولین بار در یک کشور عضو منتشر می‌شود، کشور اخیر، باوجوداین اگر آثار در چندین کشور عضو که دارای مدت حمایت متفاوت‌اند، به‌طور هم‌زمان منتشر شوند، کشوری که مدت حمایت کمتری قائل است.

ب) برای آثاری که در یک کشور خارجی و یک کشور عضو اتحادیه هم‌زمان منتشر می‌شود، کشور اخیر.

ج) برای آثار منتشرنشده و آثاری که برای اولین مرتبه در یک کشور خارجی منتشر می‌شود بدون انتشار هم‌زمان در یک کشور عضو، کشور عضوی که مؤلف تبعه آن است. باوجود این، در مورد آثار سینمایی که مرکز اصلی یا محل اقامت دائمی تولیدکننده آن در یک کشور عضو واقع است، کشور خاستگاه، کشور اخیر خواهد بود و اگر اثر، اثر معماری باشد که در یک کشور عضو بنا شده است یا از آثار هنرهای گرافیکی و پلاستیکی باشد، جزئی از غیرمنقول واقع در یک کشور عضو است، کشور اخیر، کشور خاستگاه خواهد بود. این بند، کشورهای خاستگاه و دو استثناء اخیر را به‌وضوح تعیین کرده است.

قاعده حمایت بدون تشریفات

این قاعده از قواعد و اصول مهم حمایت از آثار ادبی و هنری است که حمایت مذکور را بدون قید و شرط لازم می‌داند. ناگفته نماند که این قاعده از موارد افتراق دو نظام حق مؤلف و کپی‌رایت است. در نظام کپی‌رایت این قاعده کم‌رنگ‌تر است. مستند این قاعده، بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون برن است: بهره‌مندی از این حقوق مشروط به هیچ تشریفات نیست. این قاعده با اصلاحات برلین ۱۹۰۸ در کنوانسیون برن تثبیت گردید. این قاعده برای همه اعم از آثار داخلی و خارجی (در کشورهای عضو کنوانسیون برن) لازم‌الاتباع است. بدین معنا که هر کشور باید حمایت بدون تشریفات از آثار ادبی و هنری داشته باشد، چه آن آثار دارای پدیدآورنده داخلی باشد و چه خارجی. این برداشت برخلاف نظر بعضی از محققان است که این قاعده را فقط برای آثار خارجی در یک کشور لازم‌الرعايه دانسته‌اند. (درینی، فتحی، ۱۴۱۰، ص ۸۹)

قاعده استقلال حقوق

بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون برن پس از تأکید بر حمایت بدون تشریفات، اعلام می‌دارد اعمال این حقوق مستقل از حمایتی است که در کشور مبدأ اثر به عمل می‌آید. هرچند دامنه این اصل محدود است، ولی اهمیت دارد. منظور از اصل این است که اثر مستقل از قانون کشور مبدأ (محل اولین انتشار) باید در کشورهای عضو موردحمایت قرار گیرد.

مقررات ویژه کشورهای در حال توسعه

کنوانسیون برن در سال ۱۹۷۱ اصلاح گردید که به سند پاریس شهرت دارد. در این اصلاحیه، مقررات ویژه‌ای برای کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی گردید. این مقررات جزء تفکیک‌ناپذیر کنوانسیون برن محسوب شده و به تصویب اکثریت کشورهای عضو اتحادیه رسیده است. کشورهای در حال توسعه، می‌توانند با شرایطی خاص از حداقل حمایت از حق ترجمه و تکثیر موضوع مواد ۸ و ۹ کنوانسیون برن عدول نمایند.

کنوانسیون ژنو

کنوانسیون جهانی ژنو راجع به حق مؤلف مصوب ششم سپتامبر ۱۹۵۲ به ابتکار یونسکو و تشویق آمریکا شکل گرفت. مهم‌ترین هدفی که این کنوانسیون دنبال می‌کرد آن بود که کشورهایی که حمایت‌هایی کمتر از کنوانسیون برن در نظر داشتند به آن بپیوندند و درواقع این کنوانسیون تلاش می‌کند شکاف بین دو نظام (حق مؤلف) و (کپی‌رایت) از بین ببرد. به عبارت دیگر،

هدف از انعقاد این کنوانسیون آن بود که در کنار کنوانسیون برن معاهده جدیدی در زمینه‌ی مالکیت ادبی و هنری با الزامات و تعهدات کمتری نسبت به آن انعقاد یابد تا کشورهای بیشتری را به خود جلب کند زیرا الحاق به کنوانسیون برن، به لحاظ تجدیدنظرهای پیاپی که در آن شده بود و هر دسته از کشورها مرحله‌ای از این تجدیدنظرها را پذیرفته بودند و روابط حقوقی تمامی کشورهای عضو آن در زمینه‌ای واحد قرار نداشت. به علاوه، در هر تجدیدنظر به بار تعهدات و الزامات کشورهای عضو افزوده شده بود. (یزدانی، ۱۳۹۱، ص ۵۷)

در مقدمه کنوانسیون جهانی حقوق مؤلف که در تجدید نظر سال ۱۹۷۱ به آن افزوده شده، در بین سایر عبارات این عبارت ملاحظه می‌شود «با اعتقاد به اینکه افزوده شدن شیوه‌ای از حمایت حقوق مؤلف با اسلوب‌های بین‌المللی موجود بدون آنکه مخل آن‌ها بوده و مناسب حال همه ملل باشد می‌تواند، به طبع، احترام حقوق انسانی را تأمین و ادب و علم و هنر را گسترش دهد» با تکیه‌ای که در این مقدمه به حفظ موقعیت اسلوب‌های بین‌المللی موجود به عمل آمده و اینکه عمده‌ترین این اسلوب‌ها همان است که در کنوانسیون برن مندرج است. تردیدی نیست که این کنوانسیون برای یاری‌رساندن به هدف‌های کنوانسیون به هیچ‌وجه مخل مقررات کنوانسیون برن برای حمایت آثار ادبی و هنری و وابستگی به اتحادیه‌ی ایجادشده وسیله آن نیست» به این معنی تصریح گردیده است. (موسوی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۱)

در این کنوانسیون، از ابتدا کوشش به عمل آمده است خود دولت‌ها با در نظر گرفتن اهمیت حمایت از آثار ادبی و هنری ترتیبات قانونی خاصی را در این باره در کشور خود بدهند چنانکه در ماده اول آن چنین تصریح گردیده (هر دولت، خود را ملزم می‌داند تمام مقررات لازم را برای تأمین حمایت کافی و مؤثر حق مؤلف و دیگر دارندگان چنین حقی نسبت به آثار ادبی و علمی و هنری مانند نوشته‌ها، آثار موسیقی، نمایشی، سینمایی، نقاشی، کنده‌کاری و مجسمه‌سازی اتخاذ کند). (علوانی، ۱۴۱۳، ص ۱۲۳)

در این کنوانسیون نظیر کنوانسیون برن به جنبه‌های مختلف حمایت و نیز انواع آثار مورد حمایت نظیر حق انحصاری انتشار اثر و ترجمه و تکثیر و اجازه انتشار و ترجمه و تکثیر و حقوق گوناگونی که در این زمینه‌ها حاصل می‌شود و حدود اختیار قانون‌گذاری ملی در تجدید، تبدیل یا توسعه آن اشاراتی شده است. به موجب این کنوانسیون، مدت حمایت از آثار اساساً باید در قوانین داخلی تعیین گردد و آنچه در این کنوانسیون تعیین گردیده به‌طور کلی، علاوه بر طول حیات مؤلف، بیست و پنج سال از تاریخ مرگ وی است. در این کنوانسیون مانند کنوانسیون برن، مقررات خاصی برای کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده و این قبیل کشورها می‌توانند هنگام الحاق به کنوانسیون در این قبیل موارد به جای مقررات اصلی مقررات خاص مزبور را مورد قبول قرار دهند. (افتخار زاده، ۱۳۹۶، ص ۵۸). اصول و قواعد حاکم در این کنوانسیون شامل قاعده رفتار ملی (ماده ۲)، اصل حداقل تشریفات (ماده ۱-۳) و مدت حمایت کوتاه‌تر از کنوانسیون برن یعنی از ۵۰ سال به ۲۵ سال (ماده ۲-۴) می‌باشد. اصلاحات این کنوانسیون نیز در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۱ صورت پذیرفته است.

ماهیت معنوی و مادی حقوق مالکیت ادبی و هنری

ماهیت معنوی حقوق مالکیت ادبی و هنری

غرض از اصطلاح ماهیت معنوی یا مادی، وجوه مختلف ماهیت واحد حقوق مالکیت ادبی و هنری است که برای سهولت در انتقال مفهوم، انواع ماهیت گفته می‌شود. چنانکه که گفته شد، مبنای ماهیت معنوی در این حقوق، اخلاق و حسن و قبح اخلاقی است. وقتی از اخلاق صحبت می‌کنیم، حوزه بحث را به فراخور نوع بشر گسترده کرده‌ایم و برای تثبیت آن به اجماع حداکثری رسیده‌ایم. (افتخار زاده، ۱۳۹۶، ص ۱۰۸).

مبانی اخلاقی در همه جوامع بشری از استواری لازم برخوردار است، حسن صدق، راستگویی، قبح کذب و دروغگویی از مصادیق فراگیر اخلاقی می‌باشد. حسن حفظ امانت و قبح خیانت به آن نیز از امور اخلاقی است که مورد بحث ما خواهد بود. حال اینکه رعایت اصول اخلاقی آیا فقط فایده درون انسانی دارد؟ یا فایده اجتماعی هم می‌تواند داشته باشد، بحثی است که در گفتارهای بعدی به آن پرداخته خواهد شد. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ اولین گام را در جهت معرفی حقوق معنوی اعم از حق سرپرستی و حق تمامیت، با ارائه ماده ۳ برداشته و در ماده ۴ به خصوصیات آن و سپس در مواد ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ به حدود قانونی آن و در نهایت، در ماده ۲۵ به نحوه مجازات نقض‌کننده آن پرداخته است. این قانون در سال ۱۳۴۸ تصویب شده، ولی مبنای اخلاقی حقوق معنوی از سابقه دیرینه باسابقه و عمر بشر برخوردار است. درباره قبح دروغگویی و حسن راستگویی و صداقت داستان‌ها و حکایات بسیار قدیمی نقل شده و هیچ‌گاه تاریخ قدیمی‌ترین آن‌ها مشخص نشده است. گرایش به راستگویی و انزجار از دروغگویی در ذات و فطرت انسانی است. حقوق معنوی‌ای که در حقوق داخلی مورد تأیید قرار گرفته، دارای دو گونه است: یکی، حق سرپرستی یا حق احترام به نام و سمت پدیدآورنده و دیگری حق احترام به اثر یا حق تمامیت. هر یک از این دو حق دارای ماهیتی متفاوت هستند:

ماهیت حق سرپرستی یا احترام به نام و سمت پدیدآورنده

هرگاه در حقوق مالکیت فکری بحث حق سرپرستی به میان می‌آید و تأکید می‌گردد که هیچ‌کس حق ندارد نام و سمت پدیدآورنده را حذف یا کسر یا تغییر دهد، به عبارت دیگر، هیچ‌کس حق ندارد اثر دیگری را به نام خود یا دیگری به غیر از پدیدآورنده اصلی منتشر نماید، همه این‌ها نشأت گرفته از قبح کذب و زشتی دروغگویی است. (موسوی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸)

اولین حق مسلم پدیدآورنده انتساب اثر به وی است و این از حق طبیعی برای برخورداری از نام برای افراد، بدیهی‌تر، مسلم‌تر و بااهمیت‌تر و حتی عادلانه‌تر است. حق سرپرستی در مالکیت فکری مانند بقیه انواع حقوق معنوی، دائمی و غیرقابل انتقال و واگذاری است و حتی صاحب حق نیز مجاز به واگذاری و انتقال نیست و فقط می‌تواند بانام مستعار یا بی‌نام اقدام به انتشار اثر نماید. پاسخ این سؤال که حق سرپرستی چه نوع حقی است که صاحب آن، اختیار نوع استفاده را ندارد این است که حق فردی در مقابل حق جمعی و جامعه محدود می‌شود. هر پدیدآورنده‌ای حق استفاده از نام خویش بر روی اثرش دارد حتی اجازه داده شده تا به دلایلی اثرش را بدون نام یا بانام مستعار منتشر سازد، اما مجاز نیست که فرد دیگری را به عنوان پدیدآورنده اثر معرفی نماید چراکه این فریب جامعه است. جامعه باید بداند صاحب اثر واقعی کیست. جامعه به دلیل تخصص صاحب اثر، نقش مهمی به وی واگذار می‌نماید و این در حالی است که صاحب اثر غیرواقعی از انجام آن عاجز است.

مثال برای استدلال بالا این است که چنانچه اثری علمی مانند پزشکی به نام فردی غیر از پدیدآورنده منتشر شود و وی به عنوان متخصص در آن رشته شناخته شود، این می‌تواند برای سلامت افراد جامعه خطرآفرین باشد چراکه ادامه سودجویی و سوءاستفاده این شخص می‌تواند منجر به معاینه و عمل جراحی یا تشخیص دیرهنگام برای بیماران گردد. همین‌طور است برای کسی که کتاب‌های علوم اجتماعی مانند علم اقتصاد را به نام خود منتشر می‌سازد و به خاطر شهرت علمی کسب شده، بر مسند مدیریت جامعه می‌نشیند و سمت‌های بالای مدیریتی را اشغال می‌کند. پس ماهیت حق سرپرستی در حقوق مالکیت فکری، ماهیت اخلاقی با موضوع قبح کذب دارد. (یزدانی، ۱۳۹۱، صص ۵۴)

ماهیت حق تمامیت یا احترام به اثر

حمایت معنوی از پدیدآورنده ایجاب می‌کند که اثر خلق‌شده بدون کم‌وکاست ارائه گردد. هیچ‌کس به‌جز پدیدآورنده حق ندارد به تمامیت اثر تعرضی داشته، بخشی از آن را حذف یا تغییر یا جابجا نماید. ماهیت و مبانی حق تمامیت چیزی جز قبح خیانت‌درامانت نیست. هر کس به اثر دیگری دسترسی داشت درواقع امانتی نزدش می‌باشد و حفظ آن بر اساس قاعده اخلاقی واجب است. به‌عنوان مثال، ناشری که اثر پدیدآورنده‌ای را برای انتشار دریافت می‌نماید، بدون اجازه صاحب اثر حق هیچ‌گونه تصرفی که منجر به تغییر محتوا گردد، ندارد. با نگاه دقیق‌تر شاید بتوان دلیل وجودی حق تمامیت برای اثر پدیدآورنده و ارتباط آن با لزوم حفظ امانت را تبیین کرد. در فکری، حق معنوی برای پدیدآورنده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. درواقع اثر خلق‌شده مولود پدیدآورنده و نشانگر شخصیت و هویت وی است، با این توصیف، حق معنوی ازجمله حقوق طبیعی افراد است که مانند انواع دیگر این حقوق، لازم‌الرعايه می‌باشد. خیانت به امانتی این‌چنینی می‌تواند از بزرگ‌ترین سیئات اخلاقی باشد. علاوه بر این، ممکن است پدیدآورنده‌ای از حقوق مادی خود درگذرد و یا نقض آن را نادیده بگیرد اما رعایت حقوق معنوی اعم از حق سرپرستی یا حق تمامیت برای وی حائز اهمیت بوده و هیچ‌گاه به نقض آن رضایت نخواهد داد. تأکید بر حفظ امانت پدیدآورنده دارای ماهیت اخلاقی با مضمون قبح خیانت‌درامانت است. (صابری، ۱۳۹۸، ص ۲۰۳)

ماهیت مادی حقوق مالکیت ادبی و هنری

حقوق مادی برخلاف حقوق معنوی، که دارای سابقه‌ای فراتر از تاریخ تصویب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ ندارد و ابعاد آن نیز محدود به حق مالکیت فکری می‌گردد، دارای سابقه‌ای طولانی به فراخور شناسایی اموال و مالکیت در جامعه بشری بوده و دامنه وسیعی از شئون زندگی بشری را شامل می‌گردد. در قسمت قبل اشاره گردید که حقوق معنوی دارای ماهیت اخلاقی است و انواع آن ذکر گردید، اما در خصوص ماهیت حقوق مادی در آثار فکری، لاجرم باید به همان مباحثی که در مبحث قبل مطرح گردید از قبیل معنا، مفهوم و ماهیت حق، مال و مالکیت که دارای سابقه در حقوق اموال است، پرداخته شود. ادعا این است که اثر فکری، از جهت حقوق مادیف همان مال عینی است که در عالم خارج ملموس است. در حقوق مالکیت فکری از ایده‌ها حمایت نمی‌شود بلکه باید ایده خلاقانه به نحوی اظهار و ارائه گردد، حال این اظهار به هر روش و صورتی باشد، قابل حمایت است. شعری که سروده شده و نوشته یا خوانده می‌شود عینی است که وجودش درک می‌گردد.

اگر در مالکیت فکری، موضوع خارجی مطرح نباشد، طبیعتاً نمی‌توان در بیان ماهیت آن سخن از حق عینی و ازجمله مالکیت به میان آورد زیرا شرط نخست در تحقق حق عینی یا مالکیت، وجود شیء موضوع حق عینی و ملک موضوع مالکیت است. از طرف دیگر، اگر موضوعی برای حقوق مزبور شناسایی شود که اوصاف لازم را برای پذیرش مالکیت نداشته باشد نیز، نمی‌توان در عرصه مالکیت فکری سخن از مالکیت گفت. پس درنتیجه لازمه اثبات حقوق مالکیت در آثار ادبی و هنری، اولاً وجود موضوع خارجی و ثانیاً داشتن اوصاف لازم برای پذیرش مالکیت است. بعضی معتقدند موضوع مالکیت فکری، امری اعتباری یا به‌عبارت دیگر، قراردادی و فرضی است و از آنجاکه هر اعتباری اگر لغو نباشد، می‌تواند منشأ اثر واقع شود، در اعتبار حقوقی موضوعات فکری نیز فایده بخشی آن موردنظر است. این استدلال نمی‌تواند صحیح باشد چراکه اثر فکری دارای وجود ملموس و قابل درک در عالم خارج است و اعتباری انگاشتن آن، تلقی درستی نیست.

اثر فکری خود دارای ماهیت وجودی مستقل و دارای نمود ملموس خارجی است و ازاین‌جهت با بقیه اموال مادی تفاوتی ندارد.

(حیدریان دولت‌آبادی، ۱۳۹۹ صص ۲۱۱ تا ۲۳۷)

نکته قابل توجه این است که اثر فکری را با حامل اثر فکری را با حامل اثر فکری نباید اشتباه گرفت. حامل اثر فکری مانند کتاب یا وسیله‌ای که ایده اختراع در آن پیاده شده و به عنوان ابزار در بازار به فروش می‌رسد، خود دارای ماهیت وجودی مستقل از اثر فکری است. اثر فکری به واسطه حقوق معنوی، وابسته و پیوست شده با صاحب اثر است و قابل انتقال و زایل شدن نیست و این حقوق مادی است که ممکن است از طرف صاحب اثر به دیگری واگذار گردد. در هر حال، حقوق مادی اثر فکری تا مرحله داشتن واگذاری امتیاز تولید و تکثیر وجود دارد و از آن به بعد، کالایی که تولید می‌شود یا کتابی که منتشر می‌گردد، خود شیئی دیگر است و حقوق خاص خود را دارد. بعضی از بزرگان نیز اثر فکری را با حامل اثر فکری اشتباه گرفته‌اند که در جای خود، به تفصیل به آن خواهیم پرداخت. (افتخار زاده، ۱۳۹۶، ص ۱۵۸). برای تبیین ماهیت حقوق مادی اثر فکری لازم است اولاً، اثبات این حقوق برای پدیدآورنده مورد بحث قرار گیرد و ثانیاً، روش‌های انتقال و واگذاری با توجه به عقود معین در حقوق احصا گردد.

قابلیت اثر فکری برای ایجاد حقوق مادی

چنانکه بیان گردید، اثر فکری دارای وجود خارجی است و حقوق عینی برای آن متصور است. از آنجاکه هر عین خارجی برای ورود به حوزه مالیت و مالکیت نیازمند شرایطی است تا ارزش گذاری مادی و معنوی برای آن صورت گیرد، اثر فکری نیز از این قاعده مستثنا نیست و باید از همین فیلتر بگذرد. هر شیء برای کسب اعتبار در حوزه حقوق باید ابتدا مال بودن خود را ثابت کند و بعد از آن امکان مالکیت که ممکن است با مال بودن مطابقت داشته یا نداشته باشد. ملاک برای مال بودن از منظر حقوقدانان، فقها و اقتصاددانان می‌تواند دارای اهمیت باشد، اما معیاری که قبلاً نیز بدان اشاره گردید شامل مفید بودن و سودمندی و همچنین کمیابی است. (افتخار زاده، ۱۳۹۶، ص ۱۹۸). شرط مفید بودن و سودمندی برای اثر فکری، به وضوح، قابل ارزیابی است چراکه آثار مهم و بی‌معنا به سادگی از آثار مفید قابل تشخیص هستند، اما آیا آثار فکری مضر یا گمراه‌کننده و ضد اخلاق را می‌توان جزء آثار غیرمفید دانست و بدین سبب عنوان مالیت را از آن‌ها برداشت؟ کتب ضاله یکی از مصادیق آن است.

ظاهراً موضوع کتب ضاله برای نخستین بار در فقه شیعه، توسط شیخ مفید در مقنعه مطرح شد. مرحوم مفید، دو عنوان «کتب کفر» و «کتب ضلال» را مطرح ساخت و حکم به عدم حلیت حفظ و کسب با کتب کفر و ضلال داد. وی می‌نویسد: «ولا یحل کتب الکفر و تخلید الصحف الا لاثبات الحجج فی فساد و التکسب بحفظ کتب الضلال و کتبه علی غیر ماذکرناه حرام»، یعنی، حفاظت از کتب کفر جز برای اثبات فسادش حلال نیست و کسب از راه حفظ کتب ضاله و نگارش آن به غیر از آنچه گفته شد، حرام است. مصادیق و تعاریف کتب ضاله در دوره‌ها، زمان‌ها و شرایط مختلف متفاوت بوده و با توجه به حساسیت‌های هر عصر از قبیل تهدیدهای جوامع مسیحی، یهودی، مذاهب معاند به نام اسلام و ... احصا می‌گردیده است. (صابری، ۱۳۹۸، ص ۲۶۳) آنچه مسلم است در فقه از قدیم تا زمان حاضر، نگهداری و خرید و فروش و انتشار کتب ضاله را حرام دانسته‌اند، ولی آیا حرمت شیء باعث نفی مالکیت و مال بودن آن می‌شود یا خیر؟ قانون مدنی در ماده ۳۴۸ تصریح دارد که بیع چیزی که قانوناً ممنوع است و یا مالیت یا منفعت عقلایی ندارد، ممنوع است.

به عبارتی بر اساس نظر فقها، کتب ضاله به دلیل عدم داشتن منفعت عقلایی یا همان شرط مفید بودن، مال محسوب نمی‌گردد و بدین دلیل قابلیت خرید و فروش ندارد اما به نظر می‌رسد وقتی در فقه از کسب‌های حرام صحبت می‌شود مفهوم آن این است که مالکیت داشتن آن را پذیرفته‌ایم، ضمن آنکه مواردی مانند کتب ضاله استثنائاتی نیز قائل شده‌اند که چنانچه برای ایضاح و توجیه اهل علم یا عموم باشد اشکالی ندارد. لذا اگرچه در شرع، نگهداری و انتشار و کسب و کار در خصوص کتب

ضاله حرام دانسته شده، اما مال بودن و قابلیت مالکیت داشتن آن انکار نشده است. غیرمفید بودن و به تبع آن، مال نبودن در مالکیت ادبی و هنری امری ناممکن نیست و آن مفاهیم بی معنی، لغو، بی فایده و عمومی است که در آن هیچ گونه خلاقیت و ابتکاری به کار نرفته است. (شوکانی، ۱۴۰۳، ص ۴۰۳) در حوزه حقوق مالکیت فکری، بحثی از کتب و آثار غیرمفید یا مضر نشده و تأکید بر حمایت از آثاری است که اصالت داشته و در نتیجه ابتکار پدید آمده است و اتفاقاً، حقوق معنوی تأکید دارد که حق سرپرستی و حق تمامیت برای پدیدآورنده ثابت بوده و تنها اوست که می تواند نسبت به محتوا و نحوه انتشار آن تصمیم بگیرد. درواقع، حقوق مالکیت فکری کاری به کیفیت و صحت و سقم محتوا ندارد بلکه اثر و صاحب اثر را به هم متصل کرده و از این رابطه حمایت می کند. به واسطه همین علم است که می توان آثار و نظریاتی را به کسی منتسب کرد و او را مورد سؤال قرارداد.

اما شرط کمیابی برای مال بودن آثار فکری به واسطه عین خارجی و ملموس بودن قابل اثبات است. اثر فکری خودش نمود خارجی دارد نه حامل آن که با تکثیر، چنین استنباط شود که شرط کمیابی منتفی شده و نیازمند توسل به کمیابی مصنوعی توسط قانون می باشد. (گرچی، ۱۳۷۲: ۴۱)

اثر فکری مانند یک شعر یا اثر نقاشی یا اختراع در عالم خارج ظهور دارد و واقعاً کمیاب و منحصر به فرد است و کتاب های حاوی آن و وسایل و ابزار ساخته شده بر اساس اختراع، همه حاملان اثر هستند که تکثیر شده اند. البته حاملان اثر نیز به دلیل کمیابی امتیاز واگذاری برای انتشار و تکثیر و تولید نیز مال بوده و ناشر یا تولیدکننده، مالک آن امتیاز است. کتابی که خریدار تهیه می کند از اموال وی محسوب می شود و مجاز به هر نوع استفاده ای به جز نقض حقوق انحصاری ناشر و پدیدآورنده می باشد. (افتخار زاده، ۱۳۹۶، ص ۱۸۸).

قواعد کپی رایت در حقوق ایالات متحده آمریکا

همان گونه که در مباحث قبل ذکر گردید دولت فدرال ایالات متحده آمریکا یکی از بزرگترین تولیدکنندگان اطلاعات در سطح جهان است. صاحب نظران و قانون گذاران این کشور به خوبی به میزان و کیفیت اطلاعات تولید شده توسط نهادهای دولتی و امکان استفاده جامعه از این اطلاعات واقف بوده و بدین جهت به موجب ماده ۱۰۵ قانون کپی رایت سال ۱۹۷۶ این کشور، کلیه آثار دولت ایالات متحده در سطح فدرال از حمایت کپی رایت مستثنی شده و در حوزه عمومی قرار گرفته اند. به عبارت دیگر هیچ اثری از دولت آمریکا نمی تواند از حمایت های مقرر در قوانین حقوق مؤلف بهره مند شود (Dalloz, 2012: 316). اصطلاح حوزه عمومی در مورد آثار و اطلاعاتی اعمال می شود که به وسیله حقوق مالکیت فکری مورد حمایت قرار نمی گیرند (G. Field Jr. et al, 2006: 60). در ایالات متحده علاوه بر آثار و اطلاعات دولتی، آثاری که مدت حمایت کپی رایت از آن ها به پایان رسیده است و همچنین ایده های محض در حوزه عمومی قرار دارند. ویژگی مهم مواردی که در حوزه عمومی قرار می گیرند، این است که عموم افراد جامعه می توانند بدون نیاز به اجازه قبلی و یا هیچ محدودیتی از این آثار و اطلاعات استفاده مجدد نمایند (G. Field Jr. et al, 2006: 60).

در ماده ۱۰۱ قانون کپی رایت ایالات متحده، آثار دولتی تعریف شده است. به موجب این ماده آثار دولتی عبارتند از: "آثار ایجاد شده توسط یک مأمور یا کارمند دولت ایالات متحده به عنوان بخشی از وظایف رسمی آن شخص." بنابراین هرگاه مأموران و کارمندان دولتی در راستای انجام وظایف رسمی خویش آثار و اطلاعاتی را تولید نمایند، این آثار به هیچ وجه از حمایت کپی رایت برخوردار نمی باشد. خدمات پستی ایالات متحده و مؤسسه ملی استاندارد و تکنولوژی به موجب رویه موجود در اداره کپی رایت آمریکا از این قاعده کلی مستثنی بوده و آثار و اطلاعات تولید شده در آن ها از حمایت کپی رایت

برخوردار خواهند بود (Jasserand, Hugenholtz, 2012: 24) علاوه بر این، به موجب قسمت آخر ماده ۱۰۵ قانون کپی‌رایت آمریکا، دولت این کشور از دریافت کپی‌رایت به موجب قراردادهای انتقال این حق و یا به موجب وصیت توسط افراد ذی حق منع نشده است.

همان طور که مشاهده می‌شود قانون کپی‌رایت ایالات متحده آثار و اطلاعات تولید شده توسط دولت فدرال را به صورت کامل در حوزه عمومی قرار داده و از شمول حمایت کپی‌رایت مستثنی نموده است. صاحب نظران دلایل و مبنای برای انتخاب این روش و مدل ذکر نموده اند که در این جا به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

(۱) یکی از کارکردهای حقوق مالکیت فکری به طور عام و مقررات کپی‌رایت به صورت خاص ایجاد انگیزه و اشتیاق از طریق اعطای حقوق انحصاری در پدیدآورندگان آثار و سرمایه‌گذاران در این حوزه می‌باشد. درست برخلاف پدیدآورندگان بخش خصوصی، نهادهای دولتی احتیاجی به انگیزه و تشویق برای تولید آثار و اطلاعات ندارند؛ زیرا این نهادها وظایف و تکالیف خود در خصوص ارائه خدمات عمومی را ایفا می‌نمایند و هدف آن‌ها برخورداری از منافع مادی ناشی از حقوق انحصاری نبوده و اطلاعات تولید شده توسط نهادهای دولتی یک کالای عمومی محسوب می‌شود (F. Uhler, 2003: 6).

(۲) دولت و نهادهای دولتی به نمایندگی از سوی جامعه تصدی امور را به عهده دارند و خواست و اراده جامعه است که به مفهوم دولت معنا و اعتبار می‌بخشد. بنابراین اطلاعات و آثار تولید شده توسط نهادهای دولتی در اصل متعلق به عموم مردم بوده و نهادهای دولتی تنها به نمایندگی از مردم این اطلاعات را در اختیار دارند. علاوه بر این، شهروندان از طریق پرداخت مالیات هزینه‌های لازم برای تولید اطلاعات را پرداخته و از این جهت نیز مالک واقعی این اطلاعات می‌باشند (F. Uhler, 2003: 6).

(۳) آزادی بیان که یکی از حقوق بنیادین بشر و به نوعی زیربنای همه آزادی‌های مورد اهتمام ملل مختلف می‌باشد، همواره با به رسمیت شناختن حقوق مالکیت فکری رابطه‌ای متعارض با قواعد و مقررات حمایت از کپی‌رایت داشته است. در این راستا قانون‌گذاران به دنبال ایجاد تعادل بین این حقوق بوده اند، بنابراین به نظر می‌رسد برخورداری اطلاعات دولتی از حمایت کپی‌رایت و ایجاد محدودیت در اشاعه این اطلاعات توسط شهروندان با این هدف در تعارض بوده و همچنین با هدف حقوق مالکیت فکری که ایجاد انگیزه در پدیدآورندگان می‌باشد منافات دارد (F. Uhler, 2003: 6). (۴) منافع اجتماعی و اقتصادی ناشی از بهره‌مندی و امکان استفاده مجدد عموم افراد جامعه از اطلاعات دولتی به مراتب فراتر از منافع اقتصادی است که ممکن است دولت در صورت حمایت مقررات کپی‌رایت از اطلاعات دولتی کسب نماید (F. Uhler, 2003: 6).

(۵) هدف اصلی از وضع قوانین و مقررات کپی‌رایت ارتقای سطح دانش می‌باشد. بر همین مبنا قانون اساسی ایالات متحده در ماده اول از بخش هشتم به کنگره این اجازه را داده است که از طریق اعطای حقوق انحصاری به مؤلفان، موجبات ارتقای سطح دانش و هنرهای مفید را فراهم آورد. بر این اساس بی‌شک قانون‌گذاری در زمینه کپی‌رایت باید منجر به ارتقای سطح دانش شود و همان طور که در مباحث قبل ذکر شد عدم حمایت کپی‌رایت از اطلاعات دولتی و امکان استفاده مجدد از این اطلاعات یکی از عوامل مؤثر پیشرفت علم و دانش می‌باشد. علاوه بر قانون کپی‌رایت کشور ایالات متحده، بخش نامه (۱۳۰- A) سازمان مدیریت و بودجه این کشور که در سال ۲۰۰۰ میلادی منتشر شد، سیاست‌های کلی مربوط به استفاده مجدد از اطلاعات دولتی را بیان می‌دارد. هدف این بخش نامه مدیریت منابع اطلاعات دولت فدرال بوده و همه ادارات و شاخه‌های اجرایی دولت فدرال موظف به اجرای آن می‌باشند. این بخش نامه نقش دولت فدرال را به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده اطلاعات تصدیق می‌نماید و به موجب بند هفتم از ماده ۸ این بخش نامه، تمام ادارات دولت فدرال از گرفتن هزینه‌ای بیشتر

از هزینه انتشار و یا گرفتن هزینه یا حق الامتیازی برای استفاده مجدد، فروش مجدد یا انتشار مجدد اطلاعات از متقاضیان منع شده اند (Circular N.A-, 2000: 130)

از دیگر اقدامات مؤثر دولت ایالات متحده آمریکا در جهت امکان دسترسی و استفاده مجدد از اطلاعات باز دولتی در سال ۲۰۰۹ میلادی در مقیاسی بزرگ برای اولین بار اشاره کرد. این پورتال دسترسی و استفاده مجدد از صدها هزار پرونده و سابقه را در زمینه های گوناگون برای عموم ممکن و مقدور می سازد. متأسفانه آینده این پورتال به دلیل بحران های اقتصادی سال های اخیر مورد تهدید قرار گرفته است؛ زیرا هزینه های آن از محل بودجه عمومی تأمین می شود (Jasserand, Hugenholtz, 2012: 25).

عناصر تشکیل دهنده ی جرم

مطابق بند الف ماده ۵۰۶ قانون کپی رایت آمریکا: «هرکس عمداً به حق ناشی از کپی رایت تجاوز نماید: ۱ برای مقاصد سود تجاری یا درآمد مالی خصوصی. ۲ یا به تکثیر یا توزیع از یک اثر یا بیشتر از یک اثر، در مدت ۱۸۰ روز با وسایل الکترونیکی بپردازد و یک کپی یا بیش از آن را که ارزش فروش کلی آن بیش از ۱۰۰۰ دلار باشد، تهیه نماید. ۳ یا شخصی که آگاه می باشد، اثر به منظور توزیع تجاری فراهم آمده به توزیع آن اثر با دسترس قراردادن آن در کامپیوتر برای عموم بپردازد بر اساس ماده ۲۳۱۹ عنوان هجدهم مجموعه قوانین آمریکا به مجازات محکوم می شود. در خصوص مقاصد فوق، ادله ای که دلالت بر تکثیر یا توزیع نماید به تنهایی کافی برای اثبات عمد در نقض کپی رایت نخواهد بود.» هرکسی به حق انحصاری مالکان کپی رایت آمریکا اعم از حق تکثیر، توزیع، نمایش، اجرا، اقتباس به صورت عمدی تجاوز نماید و یکی از سه شرط ذکر شده در ماده ی فوق را دارا باشد به مجازات محکوم می شود. واژه ی هر کس با توجه به بند الف ماده ی ۵۰۱ قانون کپی رایت آمریکا شامل هر فرد غیردولتی و هر فرد دولتی یا وابسته به دولت و یا هر متصدی یا کارمند دولت و هر فردی که به نحوی وابسته به دولت است نیز می گردد. بنابراین محدودیتی در مورد شخصیت مرتکب در این جرم وجود ندارد و حتی واژه ی هرکس شامل خود پدیدآورنده نیز می شود.

در این مورد پرونده ای در دادگاه های آمریکا مطرح بود: در سال ۱۹۸۵ شرکتی که حقوق مادی ترانه ای را در اختیار داشت ادعا نمود که ترانه سرای همان ترانه، در اثر جدید خود آن را مورد اقتباس قرار داده است. اما در دادگاه حکم براءت صادر شد زیرا ترانه سرا اثبات نمود که اجزایی که مشترک در دو ترانه می باشند بر اساس قانون کپی رایت غیرقابل حمایت می باشند. موضوع جرم، اثر مورد حمایت قانون کپی رایت می باشد و عمل ترکیب تعرض به حق تولید نسخه های یک اثر (حق تکثیر) یا حق فروش یا توزیع نسخه های اثر به عموم (حق توزیع) یا حق تولید آثار جدید بر اساس یک اثر حمایت شده (حق اقتباس) یا حقوق اجرا و نمایش می باشد.^۱

تعرض به حق پدیدآورنده یا کسی که از آن حقوق به وی منتقل شده در صورتی جرم جنحه ای قلمداد می شود که در عنصر معنوی متکی به شرط اول ذکر شده در ماده باشد (برای مقاصد سود تجاری یا درآمد مالی خصوصی) یا اینکه مرتکب به تکثیر یا توزیع آثار پرداخته باشد و با توجه به اینکه در بند الف ماده ی ۵۰۶ ذکر شده «در مدت ۱۸۰ روز با وسایل الکترونیکی» مقید به وسیله و زمان نیز می باشد و مرتکب اعم از اینکه به توزیع یا تکثیر یک اثر یا بیشتر از آن پرداخته باشد و

^۱ حق اجرا و نمایش شباهت زیادی به یکدیگر دارند و در هر مورد حضور عموم شرط است و تفاوت آنها با توجه به ماهیت اثر است. مجسمه و نقاشی به نمایش در می آید اما در خصوص فیلمی چون توالی از تصاویر و صوت ها می باشد اجرا می گردد ولیکن اگر تصاویری از یک فیلم در یک سخنرانی عمومی پخش شود به حق نمایش تعرض شده و در صورتی که فیلم به صورت کامل نشان داده شود به حق اجرا تعرض شده است.

یک کپی و یا بیش از آن را تهیه نموده باشد عملش جرم جنحه‌ای نقض کپی‌رایت محسوب خواهد شد و در صورتی که مرتکب، حداقل ۱۰ نسخه یا بیشتر از یک اثر مورد حمایت این قانون را تکثیر نموده باشد و عمل وی در طول ۱۸۰ روز و یا وسایل الکترونیکی صورت گرفته باشد و ارزش کلی آن به ۲۵۰۰ دلار برسد، بر اساس ماده‌ی ۲۳۱۹ عنوان هجدهم مجموعه‌ی قوانین آمریکا جرم جنایی نقض کپی‌رایت محسوب می‌گردد. اما در جرم جنایی عمل مرتکب تنها محدود به تعرض به حق تکثیر و توزیع می‌گردد و سایر حقوق یعنی حق نمایش، اجرا و اقتباس را شامل نمی‌شود.^۱

جرم نقض کپی‌رایت (اعم از جنحه‌ای یا جنایی) مقید به نتیجه نمی‌باشد و حتی اگر ناقض کپی‌رایت به سود نیز دست نیافت، جرم محقق شده است. جرم نقض کپی‌رایت عمدی است و نیازی نیست که اثبات شود که مرتکب علم به قانون کیفری کپی‌رایت داشته است. مرتکب در اینجا باید سوءنیت عام داشته باشد و نقض حقوق ناشی از کپی‌رایت اثر دیگری را بخواهد و اگر شرط دوم که از اجزای عنصر مادی است (تکثیر یا توزیع اثر در مدت ۱۸۰ روز با وسایل الکترونیکی ...) به وقوع نپیوندد برای تحقق جرم، انگیزه نیز در جرم جنحه‌ای لازم می‌گردد که آن انتفاع مالی مرتکب است. اما در جرم جنایی کپی‌رایت انگیزه به عنوان یک شرط جایگزین مطرح نمی‌باشد و سود تجاری و درآمد مالی خصوصی در افزایش میزان مجازات مؤثر است و تأثیری در تحقق جرم ندارد.

از جمله معضلاتی که در مورد نسخه‌برداری غیرمجاز، امروزه در آمریکا وجود دارد نسخه‌برداری غیرمجاز از فیلم‌هاست، تکثیر غیرمجاز فیلم‌ها یک پدیده‌ی جهانی است که کار فیلم را با خطر اقتصادی مواجه کرده است. اف بی آی (پلیس آمریکا) می‌تواند نسخه‌هایی از جدیدترین فیلم‌های آمریکایی را در بازار سیاه کوبا، خاورمیانه و هنگ‌کنگ بخرد و حتی پیش از پخش عمومی یک فیلم در آمریکا می‌توان نسخه‌هایی از آن را در نقاط فوق‌الذکر خرید. بیشتر موارد نقض کپی‌رایت از طریق ضبط برنامه‌های تلویزیون انجام می‌شود.

در دادگاه‌های آمریکا پرونده‌ای مفتوح شده بود که طی آن کمپانی‌های والت دیسنی و یونیورسال از کمپانی سونی شکایت کرده بودند و آن را متهم به همدستی با ناقضان آثار ادبی هنری نموده بودند. شاکیان ادعا داشتند که سونی به ناقضان کپی‌رایت امکان ضبط برنامه‌ها را داده است و از طرفی با فروش دستگاه‌های ضبط ویدئو پول کافی به دست آورده است. (گریگوری، صص ۸۰ و ۸۲)

اما سرانجام حکم صادر شده که فروش دستگاه‌های ویدئو، کمک‌کننده برای نقض قانون کپی‌رایت برنامه‌های تلویزیونی نمی‌باشد زیرا دستگاه ویدئو اساساً برای استفاده در نقض قانون کپی‌رایت به وجود نیامده است.^۲

صور خاص

قانون کپی‌رایت از آثاری حمایت می‌کند که به شکل محسوس باشند و از عقاید آراء به‌خودی‌خود حمایت نمی‌کند. پس لازم است توجه گردد که سرقت آثار ادبی هنری با نقض جرم قانون کپی‌رایت متفاوت است. سارق آثار ادبی هنری خود را مبتکر کلماتی که خود نوشته خود را صاحب عقایدی که متعلق به دیگری است معرفی می‌نماید. (البته این آراء و عقاید مورد حمایت قانون کپی‌رایت نمی‌باشند). بنابراین اگر سارق آثار ادبی هنری عقاید و آراء حمایت نشده یا موجود در قلمرو عمومی را برپایه نمی‌توان عمل او را مشمول جرم ناشی از نقض قانون کپی‌رایت (موضوع بند الف ماده ۵۰۶) دانست و سارق ادبی هنری را می‌توان به دلیل رقابت مکارانه یا کلاهبرداری مورد تعقیب قرارداد. در جایی تعرض به آثار مورد حمایت قانون کپی‌رایت جرم

¹ Criminal copyright infringement: 17 U.S.C 506 and 18 U.S.C 2319 department.

² Sony corp. v. Universal city studio, Inc, 464 U.S 417, 447.

نقض کپی‌رایت محسوب می‌شود که شباهتی واقعی میان آن‌ها و اثری که پدیدآورنده ادعا می‌کند با تجاوز به اثر او به وجود آمده، وجود داشته باشد و الا تحت عنوان سرقت ادبی هنری در دادگاه‌ها مطرح می‌شوند.^۱ نویسنده یک رمان تاریخی، سازندگان فیلم آمیستاد را به دلایل نقض حق اقتباس و سرقت ادبی مورد تعقیب قانونی قرار می‌دهد. کتاب و فیلم هر دو مورد بر اساس حوادث واقعی بودند که در یک کشتی حامل برده‌ها به وقوع می‌پیوندند و در موارد شباهت‌هایی داشتند اما وکیل اسپیلبرگ کارگردان فیلم ادعا می‌نماید که شباهت‌هایی که مورد ادعای نویسنده است صرفاً حوادث تاریخی بوده است که تحت قانون کپی‌رایت حمایت نمی‌شوند و دادگاه ناحیه‌ای کالیفرنیا واقع در لس‌آنجلس با توجه به این امر که این شباهت‌ها کلی می‌باشند و طرح داستان یا فیلم متفاوت است (داستان رمانتیک می‌باشد اما فیلم این‌گونه نیست)، ادعای نقض کپی‌رایت و سرقت ادبی را وارد نمی‌داند و حتی وکیل متهم ادعا می‌نماید که نویسنده‌ی کتاب از کلمات و آرای نویسنده‌ی دیگری که ۳۶ سال قبل همین داستان را نوشته بود تقلید نموده است و مرتکب سرقت ادبی شده است. در نتیجه دادگاه درخواست توقیف فیلم را نیز رد می‌نماید.^۲

جرایم مربوط به اعلان و ثبت کپی‌رایت

بند ج ماده‌ی ۵۰۶ قانون کپی‌رایت آمریکا مقرر می‌نماید: «هرکس که با قصد متقلبانه هر متنی یا بخشی یا لغتی را با فحوائی که شخص بداند غیرواقعی است در اعلان آثار مورد حمایت کپی‌رایت قرار دهد یا کسی که قصد متقلبانه دارد به توزیع عمومی یا تکثیر عمومی هر بخشی که شامل این موارد باشد بپردازد یا آن‌ها را وارد اجتماع کند و مرتکب به این غیرواقعی بودن آگاه باشد به ۲۵۰۰ دلار جزای نقدی محکوم خواهد شد.» بند دال ماده‌ی ۵۰۶ قانون کپی‌رایت مقرر می‌کند: «هرکسی با قصد متقلبانه اعلان کپی‌رایت را که در نسخه‌های آثار قابل‌رؤیت است از بین ببرد تغییر دهد به ۲۵۰۰ دلار جزای نقدی محکوم خواهد شد.» هدف از وضع مواد فوق حمایت از تمامیت اعلان کپی‌رایت می‌باشد. موضوع جرم، اعلان کپی‌رایت می‌باشد که دارای سه جزء علامت لاتین، سال انتشار و نام پدیدآورنده می‌باشد. عمل مرتکب در بند ج ماده ۵۰۶ یکی از سه عمل ذیل می‌تواند باشد:

(۱) ارائه‌ی تعلان غیرواقعی کپی‌رایت.

(۲) تکثیر و توزیع آثاری که چنین اعلان غیرواقعی دارند.

(۳) واردات آثاری که اعلان غیرواقعی دارند و آن‌ها در دسترس عموم قرار دادن.^۳

این جرم عمدی است و فرض بر این است که مرتکب علم به غیرقانونی بودن عمل خود دارد و با قصد فریب مردم اقدام می‌نماید ولی در حالتی که مرتکب به تکثیر و توزیع یا واردات در دسترس عموم قرار دادن آثاری که اعلان کپی‌رایت آن‌ها غیرواقعی است می‌پردازد، لازم است که علم به غیرواقعی بودن این اعلان‌ها داشته باشد. در شرایط مقتضی و باوجود عناصر جرم کلاهبرداری، قوانین مربوط به کلاهبرداری نیز ممکن است اعمال شود.^۴

بند دال ماده‌ی ۵۰۶ نیز در خصوص اعلان کپی‌رایت می‌باشد و عمل مرتکب تغییر و از میان بردن اعلان کپی‌رایت در آثار مورد حمایت می‌باشد. این ماده مواردی را بیان می‌نماید که فرد عمداً و با قصد فریب دیگران تغییراتی در علامت نام پدیدآورنده یا سال انتشار ایجاد می‌کند و یا اینکه آن‌ها را محو می‌نماید. بند ه ماده‌ی ۵۰۶ قانون کپی‌رایت آمریکا جرم مربوط

¹Stim, Richard, p 197- 198

²In chase-Riboud V. Dreamworks, Inc 987 F.Supp.1222 (CD. Cal. 1997).

³Other federal criminal laws protecting intellectual property, updated april, 23 , 2001 , www.cybercrime.gov/ipmanual/05 ipma.htm.

⁴ 18 U.S.C 1341 and 1343

به ثبت کپی‌رات می‌باشد: «هرکس که آگاهانه در فرم تقاضانامه ثبت اثر، مطالب کذبی را بیان نماید یا در هر نوشته‌ای که در ارتباط با فرم تقاضانامه ثبت باشد، اطلاعاتی برخلاف حقیقت درج نماید، به ۲۵۰۰ دلار جزای نقدی محکوم خواهد شد.»^۱

آن‌چنان که در بخش پیشین ذکر شد افرادی که می‌خواهند در صورت تعدی به اثر خود ناقض ادبی هنری مورد تعقیب قرار دهند باید اثر خود را ثبت نمایند و یک مرحله از ثبت تکمیل نمودن تقاضانامه ثبت می‌باشد. این تقاضانامه باید کسی را که مدعی پدیدآورنده بودن اثر یا انتقال حقوق مادی اثر به خود می‌باشد و نوع اثر و چگونگی آن را معین نماید بنابراین هدف از وضع بنده ماده ۵۰۶ برای جلوگیری از اظهارات کذبی است که در تقاضانامه‌ی کپی‌رایت بیان می‌گردد.^۱

با توجه به ماده‌ی فوق باید اثبات شود که مرتکب، آگاهانه مطالب خلاف واقعی را در تقاضانامه‌ی ثبت یا هر نوشته‌ای که در ارتباط با تقاضانامه‌ی ثبت است، بیان کرده است. به‌عنوان مثال کسی که مالک اثر نیست و قایم مقام قانونی مالک، در ثبت اثر نیز نمی‌باشد، عمداً اقدام به ثبت اثر به نام خود بنماید یا خود را قائم‌مقام پدیدآورنده‌ی اصلی در فرم تقاضانامه‌ی ثبت معرفی نماید.

در شرایط مقتضی در خصوص این جرم قوانین کیفری دیگری نیز می‌تواند اعمال شود.^۲

جرم ضوابط و تجارت برنامه‌های موسیقی زنده و آثار سنمایی

ماده‌ی ۲۳۱۹ الف از عنوان هجدهم مجموعه‌ی قوانین آمریکا بیان می‌کند: «هر فردی بدون رضایت اجراکننده یا اجراکنندگان، آگاهانه و یا هدف سود تجاری و درآمد مال شخصی: (۱) اصوات یا و تصاویر اجرای موسیقی زنده را ضبط نماید یا به تکثیر نسخه‌های آن بپردازد یا به ضبط آن روی نسخه فاقد مجوز بپردازد. (۲) اصوات یا اصوات و تصاویر اجرای موسیقی زنده را انتقال دهد یا به گونه دیگری در اختیار عموم قرار دهد. (۳) توزیع نماید یا پیشنهاد به توزیع آن‌ها دهد، می‌فروشد یا پیشنهاد به فروش دهد، اجاره یا پیشنهاد به اجاره دهد یا با هر کپی یا اثر صوتی ضبط‌شده، آن‌چنان که در پاراگراف اول تشریح شده، تجارت نماید صرف‌نظر از اینکه ضبط اثر در آمریکا به وقوع پیوسته است یا خیر، به حبس تا ۵ سال یا جزای نقدی به میزانی که در این عنوان تعیین شده یا هر دو ... محکوم می‌شود.» پس از پیوستن آمریکا به توافقنامه‌ی تریپس، کنگره در سال ۱۹۹۴ برای ممانعت آشکارا از تجارت غیرمجاز در ضبط‌های صورت گرفته از اجرای موسیقی زنده این قانون را تصویب نمود. مرتکب بدون اخذ مجوز اجراکننده (خواننده نوازنده ...) یکی از اعمال ذیل را انجام می‌دهد الف) به ضبط اصوات یا اصوات و تصاویر یک اجرای زنده‌ی موسیقی می‌پردازد یا به تکثیر نسخه‌های آن یا به ضبط از روی نسخه‌ی فاقد مجوز می‌پردازد.

ب) به انتقال اصوات یا اصوات و تصاویر یک برنامه‌ی زنده‌ی موسیقی برای عموم می‌پردازد. به‌عنوان نمونه این عمل زمانی محقق می‌گردد که به انتقال بدون مجوز برنامه‌ی زنده‌ی موسیقی از طریق رادیو و تلویزیون می‌پردازد.

ج) به توزیع عمومی یا تجارت آثار صوتی ضبط‌شده از برنامه‌های زنده موسیقی می‌پردازد.

یک اثر در اینجا زمانی به شکل محسوس درآید که در شکل یکی از وسایل صوتی مثل نوار، CD، و ... تجسم یابد. اگر اجراکننده اجازه‌ی چنین عملی را به مرتکب داده باشد عمل وی مشمول این ماده نخواهد بود. در صورتی هم که حقوق مادی موسیقی به شخص حقیقی یا حقوقی دیگری منتقل شده باشد بازهم اجراکننده می‌تواند از ضبط برنامه‌ی زنده‌ی خود ممانعت به عمل آورد. آن‌چنان که شخصی که حقوق مادی اثر موسیقی به او انتقال یافته می‌تواند مانع شود.^۳

¹Other federal criminal law protecting intellectual property, op-cit.

²18 U.S.C 1001.

³Other federal criminal laws protecting intellectual property, op-cit.

اجراکنندگان یا کمپانی‌های موسیقی که حقوق مادی به آن‌ها منتقل شده برای اقامه‌ی دعوی در مورد این جرم نیازی به ثبت ندارند و محدودیت زمانی برای حمایت از حقوق اجراکنندگان نیز وجود ندارد. به عبارت دیگر اگرچه حقوق اجراکنندگان قسمتی از قانون کپی‌رایت است اما نیازمند به الزامات رسمی یاری حمایت مثل سایر آثار نمی‌باشد.^۱

این جرم مقید به نتیجه نمی‌باشد. به عنوان مثال تماشاچی زنده برنامه‌ی موسیقی که اجرای هنرمند را ضبط می‌نماید و قصد تجارت را نمودن دارد و برای رسیدن به سود مالی این عمل را انجام می‌دهد. حتی اگر در این عمل به منفعت مالی نرسد بازهم جرم محقق است. جرم عمدی است و مرتکب با آگاهی به اینکه مجوز در ضبط و تجارت اجراهای موسیقی زنده ندارد به این عمل اقدام می‌نماید و علاوه بر سوءنیت عام با توجه به اینکه در ماده‌ی ذکر شده: "برای مقاصد سود تجاری و درآمد مالی شخصی" انگیزه نیز آورده شده است. ماده‌ی ۲۳۱۹ ب از مجموعه قوانین آمریکا که در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسیده است درصدد حمایت از آثار سینمایی می‌باشد: «هر فردی که بدون رضایت دارنده‌ی کپی‌رایت، آگاهانه از دستگاه ضبط سمعی بصری استفاده نماید یا قصد استفاده از آن را برای نسخه‌برداری از آثار سینمایی یا آثار سمعی بصری مورد حمایت عنوان هفدهم، در زمان نمایش آن اثر داشته باشد به زندان و جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

در صورتی که شخص در هنگام اکران فیلم سینمایی دستگاه ضبط به همراه داشته باشد به عنوان دلیل در محدودیت فرد مورد استفاده قرار می‌گیرد اگرچه برای محکومیت کافی نمی‌باشد.

نخستین پرونده‌ای که بر اساس ماده ۲۳۱۹ ب از عنوان هجدهم مجموعه قوانین آمریکا مطرح شده در خصوص مرد بازنشسته‌ای از اهالی لس‌آنجلس است می‌باشد که به دلیل ضبط غیرمجاز آثار سینمایی محکوم شناخته شد. وی در ۲۸ اکتبر سال ۲۰۰۵ با استفاده از دوربین درحالی که به صورت غیرمجاز به ضبط فیلم سینمایی «افسانه زرو» پرداخته بود توسط کارکنان سینما کیف‌دستی او مورد بررسی قرار گرفته و نسخه‌های غیرمجاز دو فیلم سینمایی دیگر نیز در کیف او مشاهده می‌گردد. وی پس از طی مراحل دادرسی به ۳ سال زندان در زندان فدرال که حداکثر مجازات می‌باشد محکوم می‌شود.^۲

سایر جرایم

با پیشرفت تکنولوژی در زمینه‌ی اینترنت و دسترسی عموم به آن، نقض آثار مورد حمایت کپی‌رایت افزایش یافت. اما تا قبل از سال ۱۹۹۸ تعقیب کیفری افرادی که مرتکب نقض کپی‌رایت در اینترنت می‌شدند میسر نبود تا سرانجام قانون سرقت دیجیتالی در آن سال به تصویب رسید و از آن به بعد بر اساس بند الف ماده‌ی ۵۰۶ و ماده ۲۳۱۹، نقض کپی‌رایت در اینترنت جرم جنایی قلمداد شد.

برای اینکه عمل متهم در این خصوص جرم قلمداد شود باید اثری که به آن تعرض شده، مورد حمایت قانون کپی‌رایت باشد. یعنی، عمل مرتکب باید نقض حقوق پدیدآورنده اثر باشد و مرتکب به انتقال آثار از اینترنت بپردازد. حتی انتقال تصویر و متن نیز از طریق اینترنت نقض کپی‌رایت می‌باشد و نمونه‌های موسیقی که در برخی تارنها وجود دارد نیز در صورتی که بدون مجوز پدیدآورنده باشد تعرض به کپی‌رایت محسوب می‌شود (البته با توجه به کیفیت و کمیت، آن اثر مورد حمایت محسوب می‌شود و بعد از سال ۱۹۷۲ ساخته شده باشد). به وجود آمدن اتصال از تارنمایی به تارنمای دیگر نیز اگر فریب آمیز باشد نقض کپی‌رایت محسوب می‌شود. به عنوان نمونه، تارنمای الف اطلاعاتی در خصوص دندان‌پزشکی ارائه می‌دهد و در پایین صفحه اصلی تارنما قسمتی برای وارد شدن به بیماری‌های لثه می‌باشد که در صورت کوبه زدن به آن، متنی در مورد

¹ Copyright registration of musical compositions, united states copyright office, circular 56a, june, 1999, www.loc.gov/copyright.

² Us department of justice, central district of colifornia <http://www.cybercrim.gov/sandoval> conviction.htm

بیماری‌های لته قابل‌رؤیت است. اما در صفحه‌ی جدید متعلث به تارنما الف نیست و این عمل نوعی اتصال فریب آمیز به تارنمای ب محسوب می‌شود.^۱

مرتکب همچنین لازم است حداقل ۱۰ نسخه از یک اثر یا بیشتر از یک اثر مورد سایت کپی‌رایت را تهیه نماید که ارزش کلی آن به ۲۵۰۰ دلار برسد و این عمل طول ۱۸۰ روز انجام دهد. این جرم عمدی است و مرتکب باید سوءاستفاده از اثر دیگری را اراده کند.

اما جرم ویژگی‌هایی دارد از جمله اینکه: با توجه به مرتکبان آن و گستردگی میزان نقض کپی‌رایت در آن، نیازی به انگیزه که سود تجاری یا شخصی است وجود ندارد. به همین دلیل با تصویب قانون سرقت دیجیتال بند الف ماده ۵۰۶ نیز در این خصوص اصلاح شد. بدهی است در سایر موارد نقض کپی‌رایت وجود انگیزه به عنوان یکی از دو شرط لازم در جرایم جنحه‌ای مطرح می‌باشد.

ویژگی دوم آن به وجود آوردن تسهیلاتی در جهت ارتکاب جرم نقض کپی‌رایت می‌باشد یکی از این موارد به وجود آوردن سیستم MP3 می‌باشد که برای منتقل نمودن موسیقی از اینترنت می‌باشد و توسط آن تقریباً ۶۰ دقیقه موسیقی می‌تواند در ۳۲ مگابایت از حافظه‌ی کامپیوتر جای گیرد. ویژگی سوم آن تعیین دقیق خصوصیات و تعداد مواردی است که تکثیر شده است و با توجه به شرایط تحقق عمل مرتکب در ماده‌ی ۲۳۱۹ که باید حداقل ۱۰ نسخه باشد برای اثبات کمیت، مفید باشد و با توجه به آشکار بودن میزان نسخه‌هایی که تکثیر شده‌اند تعیین خسارت برای دادگاه نیز آسان‌تر می‌گردد.^۲

در سال ۱۹۹۸ به تبعیت از معاهدات وایپو، قانون هزاره‌ی دیجیتالی کپی‌رایت (DMCA) در آمریکا به تصویب رسید که در مورد حمایت از سیستم مدیریتی کپی‌رایت در محیط دیجیتالی می‌باشد. که به حمایت اقدامات تکنولوژیک (همچون رمزگذاری) می‌پردازد و بی‌اثر نمودن، خراب کردن، حذف ... معیارهای تکنولوژیک را بدون اجازه‌ی مالک کپی‌رایت در صورتی که عمدی و به قصد رسیدن به سود شخصی یا تجاری باشد، جرم قلمداد نموده است.^۳

همچنین با توجه به معاهدات وایپو که کشورهای عضو را می‌بزم به ممانعت از تغییر یا حذف عمدی اطلاعات مدیریت حقوق می‌نمایند. در آمریکا نیز قانون کپی‌رایت به حمایت از حفظ تمامیت اطلاعات مدیریت کپی‌رایت می‌پردازد و در صورتی که فردی عالماً، عامداً، با قصد فریب، اطلاعات خلاف واقعی در مورد سیستم مدیریت کپی‌رایت مثل عنوان اثر، نام پدیدآورنده و شرایط استفاده از اثر را مهیا نماید، یا آن‌ها را با علم به خلاف بودن اطلاعات، توزیع یا وارد نماید به جرم نقض سیستم مدیریتی کپی‌رایت محکوم می‌گردد.^۴

تا قبل از پیوستن آمریکا به کنوانسیون برن تنها از حقوق مادی آثار بر اساس قانون کپی‌رایت حمایت می‌شد و برای حفظ تمامیت آثار و منع دیگران از تحریف و تغییر آثار به قوانین ایالتی کاملاً مراجعه می‌شد. اما با تصویب قانون حقوق هنرهای تجسمی (VARA) در سال ۱۹۹۰ از حقوق معنوی آثار تجسمی (نقاشی، طراحی، عکس، مجسمه) در صورتی که در یک نسخه یا حداکثر تا ۲۰۰ نسخه‌ی امضا شده و شماره‌گذاری شده باشند حمایت می‌کند این حقوق معنوی محدود به زمان نمی‌باشد تا پایان عصر هنرمند از این حقوق حمایت می‌شود.^۵

¹New legislation regarding on-line service provider liability for copyright infringement, journal of law and technology, number 38.

² Goldstone, david – leary, Michael, nocel criminal Copyright infringement issues related to the internet, updated july, 10, 2001, www.cybercrime.gov/ipmanual.

³17 U.S.C, 1201

⁴ 17 U.S.C 1202

⁵strong, s William, the copyright book (A practical guide), (third editon, camberidge. London, 1990), p 132-133.

مطابق ماده‌ی الف ۱۰۶ (۱۰۶ مکرر) در قانون کپی‌رایت آمریکا: پدیدآورندگان آثار تجسمی می‌توانند حقوق مربوط به اثر خود را حفظ کنند و باید از اسم پدیدآورنده‌ی اصلی حمایت شود ... و در صورت تغییر و تحریف اثر تجسمی که منجر به صدمه زدن به شهرت پدیدآورنده‌ی اثر شود باید از حقوق پدیدآورنده حمایت شود. البته در صورتی که این تغییر تحریف یا اتلاف در اثر گذشت زمان باشد یا در اثر استفاده و در معرض نمایش گذاشتن آن‌ها در نمایشگاه باشد، هرچند با قصور و کوتاهی این اتلاف صورت گرفته باشد، مورد حمایت این قانون نخواهد بود.» در این ماده قانون‌گذار در صدد حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار تجسمی است و پدیدآورنده حق دارد که نام و عنوانش بر روی اثری که خلق نموده حفظ شود و اما اگر کسی حق انتساب پدیدآورنده و حفظ تمامیت اثر را نقض نماید و تغییراتی در اثر ایجاد کند که منجر به صدمه زدن به تمامیت اثر و شهرت پدیدآورنده شود با توجه به بند واو ماده ۵۰۶ و ماده ۵۰۱ قانون کپی‌رایت آمریکا، عمل وی جنبه‌ی کیفری ندارد و ضمانت اجرای مدنی خواهد داشت.

از جمله دعائی در ارتباط با این موضوع مطرح شده است مربوط به پرونده‌ای است که در سال ۱۹۸۸ میلادی مطرح بوده است: فردریک هارت مجسمه ساز معروفی است که در سال ۱۹۷۴ مجسمه‌های کلیسای ملی واشنگتن را به سبک گوتیک طراحی کرده بود. اما در سال ۱۹۹۷ در فیلمی به نام وکیل مدافع شیطان محصول کمپانی برادران وارنر، تغییراتی در مجسمه‌های کلیسای واشنگتن، در فیلم ایجاد می‌رود و به گونه‌ای حالات شهوانی در مجسمه‌ها به وجود می‌آورند. به همین دلیل هارت و کلیسای ملی واشنگتن علیه کمپانی برادران وارنر طرح دعوی می‌نمایند و ادعا می‌نمایند که برهم‌ریختگی ویژگی‌های مجسمه‌ها منجر به صدمه زدن به شهرت هارت (مجسمه ساز) شده است و تقاضا می‌نمایند که کمپانی برادران وارنر تغییراتی در مجسمه‌های تحریف شده بدهد و اقدام به اعلام عمومی نماید که این عمل را به صورت غیرقانونی انجام داده است. دادگاه رسیدگی کننده به این دعوی، ابتدا دستور می‌دهد که تا توافق طرفین پخش نسخه‌های ویدئویی فیلم مزبور با تأخیر بیفتد و در ۱۴ فوریه ۱۹۹۸ کمپانی برادران وارنر موافقت می‌نماید که تغییراتی در فیلم خود بدهد و ۲۰ دقیقه از فیلم را حذف کند تا تغییراتی که در مجسمه‌ها ایجاد کرده حذف شود. بنابراین در حقوق آمریکا نقض حقوق معنوی در قانون کپی‌رایت جرم تلقی نمی‌شود و در مورد پرونده‌ی فوق مجسمه‌ساز می‌تواند در قالب افترا شکایت نماید و هرچند که آمریکا با پیوستن به کنوانسیون برن حقوق معنوی را در برخی آثار پذیرفته و قانون کپی‌رایت موادی را به آن اختصاص داده است، اما برخی از ایالات نیز مانند کالیفرنیا قوانین جامعی در مورد حقوق معنوی هنرمندان تصویب نموده‌اند. به عنوان نمونه در قانون کالیفرنیا مدت حمایت از حقوق معنوی ۲۰ سال پس از فوت پدیدآورنده‌ی اثر هنری است. نیویورک و هشت ایالات دیگر نیز قوانین در این خصوص تصویب نموده‌اند^۱

اما با این وجود ناقض حقوق معنوی اثر هنری را به موجب قوانین کیفری تحت عناوین دیگری نظیر افترا یا رقابت مکارانه مجازات می‌نمایند و جنبه‌ی جزایی آن در قلمرو کپی‌رایت نمی‌دانند.

ضرورت های عملی پذیرش حق معنوی در ایالات متحده

نقش روبه افزایش ایالات متحده در صحنه بین المللی کپی رایت سرانجام باعث شد این کشور به پذیرش هرچند محدود حق معنوی تن بدهد. ویژگی های ساختاری، پیوستن ایالات متحده به کنوانسیون برن را مشکل ساخته بود. این کشور با امید به پیدا کردن جایگزینی برای حل این مشکل، به کنوانسیون جهانی کپی رایت پیوست. مقبولیت بین المللی محدود این کنوانسیون، چیزی بیش از راه حلی موقتی فراهم نکرد. در واقع در دهه ۱۹۸۰، عضویت در برن گامی اساسی برای تعریف و

^۱-CONN.GEN, STAT.ANN. 42 – 116t (1989) , LA.REV.STAT.A N

ایجاد نقش رهبر مآبانه برای ایالات متحده در عرصه بین المللی کپی رایت بود. علاوه بر این موارد، عضویت در برن، پیش شرط حقوقی برای پذیرش تریپس بود، این گفته نادرست است؛ زیرا تریپس کشورها را ملزم به الحاق به کنوانسیون برن نمی کند. فقط در بند ۱ ماده ۹ می گوید: «اعضا متعهدند خود را با مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن و ضمیمه آن منطبق نمایند». به عقیده بعضی، مذاکرات برای سازمان جهانی تجارت که در سال ۱۹۹۵ تأسیس شد، منجر به این شد که تمامی کشورهای کامن لا در دیدگاهشان نسبت به حق معنوی تجدیدنظر نمایند. این گفته هم نادرست است؛ زیرا در ادامه بند ۱ ماده ۹ می گوید: «با این وجود، کشورهای عضو هیچ حق یا تکلیفی تحت این موافقت نامه در خصوص حقوق مندرج در ماده ۶ مکرر کنوانسیون اشاره شده یا حقوق برگرفته از ماده مزبور ندارند». درست است که بند ۱ ماده ۹، ماده ۶ مکرر را استثنا کرده، اما پذیرش حق معنوی در کشورهای خواهان پیوستن به این موافقت نامه را منع نکرده است.

حال چرا حق معنوی به سادگی از تریپس مستثنی نشد؟ دلیل این امر احتمالاً با پیشینه سیاسی سازمان جهانی تجارت ارتباط دارد. ایالات متحده مهم ترین عامل ترغیب کننده نظام تریپس بود. اگرچه نظام کپی رایت این کشور حق معنوی را شناسایی نکرد، اما کشور یادشده آشکارا نیاز داشت تا همبستگی با مواد کنوانسیون برن را به عنوان دستورالعمل جامع تر برای ایجاد رهبری در صحنه بین المللی کپی رایت، اعلام نماید. در واقع این کشور برای حفظ وجهه بین المللی خود و این که بگوید با مقررات کنوانسیون برن تعارض ندارد، کشورهای عضو را در پذیرش یا عدم پذیرش حق معنوی مخیر گذاشت؛ اما یک مسئله وجود دارد و آن هم این که حق معنوی نمی تواند در نظام حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت مطرح شود، یعنی چنانچه بین دو کشور عضو، اختلافی در رابطه با حق معنوی پیش بیاید، این دو کشور نمی توانند اختلاف خود را در نظام حل و فصل اختلاف این سازمان مطرح کنند.

در زمان الحاق آمریکا به کنوانسیون برن ۲ مشکل وجود داشت: ۱- نظام ثبت محور آمریکا که منشأ آن قانون اساسی بود، کپی رایت را از منظر دیدگاه فایده گرایی صرف می دید، یعنی هدف کپی رایت، ترویج فرایند دانش و هنرهای مفید است، در حالی که کنوانسیون برن تشریفات ثبت را نپذیرفت. ۲- حقوق معنوی: اعمال این حقوق در قانون کپی رایت آمریکا به مراتب دشوارتر از مورد اول برای پیوستن به برن بود. در واقع، سه راه برای حل اعمال حق معنوی در آمریکا وجود داشت: الف- اصلاحات حقوقی گسترده ب- اصلاحات حقوقی خاص (محدود) پ- رویه قضایی.

اولین و راحت ترین راه حل، اصلاح کلی قانون کپی رایت آمریکا برای شمول حقوق معنوی است. از منظر صرف حقوقی راه حل اول، ساده ترین مورد به حساب می آمد، اما از منظر سیاسی، این راه حل غیرقابل دفاع بود. در عوض، دیدگاه دوم عملی بود. اصلاحات قانون گذاری محدود که منجر به اتخاذ مواد قانونی محدود در قانون حمایت از حقوق هنرمندان آثار تجسمی مصوب ۱۹۹۰ بود که از حقوق معنوی فقط در آثار بصری یا تجسمی حمایت می کرد.

علاوه بر الزامات بین المللی، به عقیده بعضی، این که پیشرفته ترین کشور دنیا از نظر فناوری با داشتن پیشروترین قانون کپی رایت جهان یعنی قانون کپی رایت هزاره دیجیتال، در نظام حقوقی خود، حقوق معنوی را شناسایی نکند، قابل تأمل است.

جا دارد موضع تریپس نسبت به حق معنوی در این بند، بررسی شود. از آنجاکه برای اعضای تریپس، رعایت ماده ۶ مکرر برن الزامی نیست، بنابراین حق معنوی از نظر تریپس، به عنوان بخشی از حقوق معاهده ای که جنبه الزامی دارد، محسوب نمی شود. نپرداختن به حق معنوی در موافقت نامه ای که جنبه تجاری داشته و نفوذ کشورهای با نظام اقتصادمحور در آن آشکار است، به نظر نمی رسد خیلی هم تأسف بار باشد؛ زیرا از آنجایی که کشورهای مزبور چندان اعتقادی به این حق ندارند، چنانچه این حقوق در موافقت نامه مطرح می گردید، بیم تحریف، تضعیف و خطر انحراف نسبت به موقعیت و وضعیت آن در کشورهای

حق مؤلف را در پی داشت. بدین ترتیب، با عدم طرح آن، این حق تمامی ابعاد غیرمالی خود را حفظ می کند، درحالی که اگر در توافق نامه مطرح می شد، ویژگی های اصلی آن یا دست کم ویژگی غیرقابل انتقال بودن آن در معرض خطر قرار می گرفت. طبق ماده ۹ تریپس، این موافقت نامه، ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن را در بر نمی گیرد. اگرچه می گوید هیچ ماده ای در تریپس نمی تواند از تعهدات دولت های عضو نسبت به یکدیگر به موجب کنوانسیون برن کم کند (ماده ۲). حقوق معنوی به این بهانه که با تجارت مرتبط نیستند، استثنا شده اند، هرچند تصور تأثیر اعمال حقوق معنوی بر روند تجارت دشوار نیست. کشورهای سیویل لایی موضع تریپس را به منزله پیروزی کپی رایت اقتصادی کامن لا بر حقوق شخصی مؤلفان تفسیر کردند. آن ها استدلال تریپس مبنی بر این که ناتوانی در اعراض حق معنوی عامل بالقوه ای برای مداخله در تجارت ایجاد می کند را رد می کنند؛ چراکه طبق تریپس وقتی نتوان از حقوق معنوی اعراض کرد، این ناتوانی در اعراض، در جریان تجارت اخلاص ایجاد می کند.

نتیجه گیری

امروزه با تصویب دستورالعمل کپی رایت مصوب سال ۲۰۰۴ و معاهده لیسبون مصوب سال ۲۰۰۹ و اعطای صلاحیت سیاست گذاری به دیوان دادگستری آمریکا و اروپا و دادگاه های حقوق بشر، حمایت مطلق از کپی رایت صاحبان آثار در اتحادیه های آمریکا و اروپا تعدیل شده است. این مقررات، در موارد تزامم حق مؤلف صاحب اثر با حقوق اساسی افراد، رعایت حقوق اساسی مردم را مقدم دانسته و در نتیجه حق مؤلف را در این گونه موارد قابل اجرا نمی داند. در ایران به جهت عدم وجود سیاست گذاری تقنینی، رویکرد این نظام بر حمایت مطلق از حق مالکانه صاحب اثر می باشد. این امر واجد اثرات منفی از جمله ایجاد انحصار و جلوگیری از توسعه علم و فناوری می باشد که ضرورت تعدیل مقررات نظام حقوقی ایران را تقویت می کند. برای دستیابی به اهداف بیان شده است.

مسئولیت کپی رایت در حقوق آمریکا، از مصادیق مسئولیت ناشی از فعل غیر به حساب می آید و بدین سان خروج از اصل شخصی بودن مسئولیت تلقی می شود. در نظام حقوقی ایران و آمریکا، ضمن عدول از اصل شخصی بودن مسئولیت، مواردی وجود دارد که شخصی در نتیجه تقصیر دیگری، مسؤول واقع می شود؛ مسئولیت ناشی از فعل غیر در فقه و حقوق ایران استثنا تلقی شده و جز در موارد منصوص از قبیل مسئولیت عاقله، بیت المال، کارفرما ناشی از فعل کارگر، مسئولیت سرپرست و محافظ ناشی از فعل صغیر و محجور و ... مورد عمل قرار نمی گیرد، اما در حقوق آمریکا، عدول از اصل شخصی بودن مسئولیت متضمن ایجاد قاعده ای عمومی در خصوص مسئولیت ناشی از فعل غیر یا مسئولیت نیابتی بوده است، زیرا مسئولیت ناشی از فعل غیر در فقه و حقوق ایران و مسئولیت نیابتی در حقوق آمریکا از حیث ارکان، مبانی و آثار با یکدیگر تفاوت دارند تحمیل مسئولیت ناشی از فعل غیر در فقه و حقوق ایران اصولاً با فرض وجود تقصیر در رفتار مسئول مانند کارفرما یا سرپرست همراه است و به همین سبب به نوعی مسئولیت شخصی به حساب می آید اما در حقوق آمریکا، اثبات حسن نیت مسئول نیابتی نقض کپی رایت نیز رافع مسئولیت او نخواهد بود. علاوه بر این درحالی که تحمیل مسئولیت ناشی از فعل غیر در حقوق ایران اصولاً باهدف جبران کامل خسارت از زیان دیده صورت می گیرد در نظام حقوقی آمریکا ضمن حفظ این هدف به مصالح عمومی توجه شایانی می شود. ضمن آن که مسئولیت نیابتی ناشی از نقض کپی رایت در آمریکا تضامنی است اما مسئولیت ناشی از فعل غیر در ایران، تضامنی نیست. بنابراین، در نظام حقوقی ایران، چنانچه، نقض کپی رایت، خارج از قلمرو روابطی چون، کارگر و کارفرما یا سرپرست و کودک محقق شود، تحمیل مسئولیت ناشی از فعل غیر ممکن نخواهد بود. بر خلاف حقوق آمریکا، هرگاه، شخصی، واجد کنترل بر دیگری تشخیص داده شده و از نقض واقع شده، به نحو مالی منتفع شود، مسئولیت نیابتی ناشی از

نقض کپی‌رایت بر وی تحمیل خواهد شد. برای مثال چنانچه، مالک رستوران گروه موزیکی را به‌منظور اجرا در محل رستوران اجیر نماید و گروه مذکور ضمن اجرا کپی‌رایت دیگری را نقض نماید مالک رستوران واجد مسؤولیت نیابتی تلقی می‌شود.

قدیمی‌ترین سیاست تنظیمی بخش فرهنگ، قانون حمایت از مؤلفین، مصنفین و هنرمندان (کپی‌رایت) است که بیش از ۵۰ سال از تدوین و اجرای آن در کشور می‌گذرد. لیکن تبعات اقتصادی این سیاست به ندرت بررسی شده است. چارچوب مفهومی این بررسی بر اساس پژوهش‌های کلیدی اقتصاد کپی‌رایت دربارهٔ اعطای حقوق انحصاری کپی‌رایت به مثابه مشوق‌های اقتصادی شکل گرفته است در جهان متمدن کنونی مسئله اولویت حقوق معنوی مالکیت فکری و مقدم داشتن آن بر حقوق مادی این نوع مالکیت، کاملاً مورد توجه قرار گرفته است و برای حقوق معنوی مالکیت فکری ارزش ویژه‌ای قابل شده‌اند. ممکن است عنوان شود قانون‌گذار ایران در تنظیم مقررات مربوط به حق مالکیت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ و مقررات بعدی، دیدگاه خاصی نداشته و در نظر نداشته است که حقوق مادی آفرینه فکری را مقدم بر حقوق معنوی آن قلمداد کند. البته احتمال دارد که چنین باشد و نیز این احتمال نیز دور از ذهن نیست که به هنگام تنظیم مقررات مربوط به آثار فکری، مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی، خصوصاً کنوانسیون برن سال ۱۸۸۶ مورد توجه قرار گرفته باشد؛ زیرا در مقررات حمایت از آثار فکری ایران، شباهت‌هایی از جهت اسلوب تنظیم مواد و اولویت‌ها با اصول و ضوابط کلی کنوانسیون برن و کنوانسیون‌های تکمیلی کنوانسیون برن می‌توان یافت با این که ایران تا کنون به کنوانسیون برن ملحق نشده است.

نتایج نشان داده موضوعات مورد حمایت قوانین حق مؤلف، در ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، به‌طور تمثیلی ذکر شده‌اند و با این شیوه صحیح قانون‌گذاری، امکان گسترش قلمرو و مصادیق تحت حمایت کپی‌رایت وجود دارد، اما در این خصوص ایراداتی در قانون حق مؤلف و سایر قوانین مرتبط مشاهده می‌شود: ۱ مورد برخی آثار هم چون آثار گمنام، آثار بانام مستعار و آثار شفاهی در قوانین حق مؤلف ایران حمایتی به عمل نیامده است. لذا راهکارهای حمایتی در این خصوص به شرح ذیل نتیجه می‌شود: ۱ قواعد حاکم بر قراردادهای حق مؤلف که در اکثر کشورها پیش‌بینی شده‌اند عبارت‌اند از: لزوم کتبی بودن قراردادهای، اصل تفسیر و محدود بودن انتقال حقوق مادی لزوم مشارکت مؤلف در عواید بهره‌برداری آینده از اثر، امکان و تعدیل در میزان حق تألیف در طول مدت قرارداد، تصریح به مدت، مکان و شیوه‌های بهره‌برداری در خصوص حقوق مورد انتقال و اصل جدایی مالکیت عین اثر از حقوق مالی و معنوی. این اصل اگرچه در قوانین حق مؤلف ایران پیش‌بینی نشده است، ولی با توجه به مفهوم ماده ۵ قانون حمایت حقوق مؤلفان در خصوص امکان واگذاری حقوق مادی و با استفاده به اصل عدم یا استصحاب بقاء حق را به مؤلف و به سود وی می‌توان آن را در حقوق ایران نیز استنباط کرد. از طرف دیگر با توجه به اینکه قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مکمل قانون حقوق مؤلفان مصتضعان و هنرمندان می‌باشد و بسیاری از موارد و موضوعات آن‌ها مشابه است، بهتر است که این دو قانون ادغام شوند و به‌طور کلی مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گیرند و در طرح اصلاح قوانین حق مؤلف مقررات موجود در کنوانسیون‌های برن و تریپس مدنظر قرار گیرد و قانون جامعی تحت عنوان قانون حمایت از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و حقوق مرتبط تدوین شود."

در کشورهایی همچون آمریکا، انگلیس، کانادا، استرالیا از همان ابتدا، اثر به‌عنوان یک مال و یک محصول تلقی شده است. بدون شک این محصول یک محصول معمولی نیست و خلق آن مستلزم وجود خلاقیت منحصر از سوی پدیدآورنده می‌باشد. النهایه، این که پدیدآورنده چه شخصی باشد، معیاری متفاوت وجود دارد: به نظر این دسته پدیدآورنده صرفاً کسی نیست که خلاقیت و فکر و محتوای اساسی و درونی اثر متعلق به اوست. شخصی که سرمایه اجرای طرح را می‌پردازد یا دستورالعمل‌های اجرایی آن را ارائه می‌کند، نقش کمتری از صاحب‌فکر ندارد. چه بسیار اندیشه‌ها که به دلیل عدم هدایت و تأمین مناسب مالی و اقتصادی و حمایت‌های فرهنگی هرگز بارور نمی‌شود یا موقعیت شایسته خود را نمی‌یابند. معمولاً اشخاص حقوقی

هستند که از قدرت و توان چنین اقداماتی بهره‌مند هستند و بر این اساس، دلیل قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که اشخاص حقوقی را از حمایت قانون بی‌بهره کنیم.

پیشنهادهای

۱- پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه حق مالکیت فکری، یکی از حقوق اساسی و حائز اهمیت هر فرد در جامعه دینی و اسلامی به شمار می‌رود اساساً مورد توجه قرار گیرد.

۲- امروزه با گسترش روز افزون اختراعات و اکتشافات، تألیفات و محصولات فکری و فرهنگی، حوزه شمول و نفوذ این حقوق نیز به‌طور چشم‌گیری، افزایش یافته است. علاوه بر این، در جوامع پیشرفته و دموکراتیک حقوق مالکیت فکری در کنار سایر حقوق فردی و مسلم افراد، مانند حق حیات و حق آزادی قرار گرفته است. قوانین مالکیت فکری در کشور ما ایران، نیز تا حدودی مورد ملاحظه قرار گرفته؛ تا در راستای حقوق فردی و عمومی زمینه‌ای علمی و مبتنی بر عدالت اجتماعی فراهم گردد واضح است که در این راستا با چالش‌ها و مشکلاتی روبه‌رو است.

۳- فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی فراوانی در کشور انجام می‌پذیرد ولی متأسفانه تعداد کثیری از آن‌ها به مرحله تجاری‌سازی و تولید ثروت و ارتقای سطح رفاه عمومی نمی‌رسد. کشفیات و تحقیقات انجام‌شده در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی عمدتاً به‌عنوان مالکیت شخص، محسوب می‌شوند؛ اما نتایج تحقیقات به‌اندازه لازم به جامعه باز نمی‌گردد و قانون مالکیت فکری، با همه مزایایی که دارد، بی‌استفاده باقی می‌ماند.

۴- از طرفی به علت کاستی‌های موجود در سیستم ثبت اختراع در ایران، افراد خلاق مبتکری که توانایی مالی کافی یا حتی علمی را جهت طراحی و ساخت نمونه‌ی اولیه آن ندارند دیگر ایده خود را ابراز نمی‌کنند و گاهی دزدی فکری صورت می‌گیرد و فرد خلاق یا مبتکر، دلسرد می‌گردد. نکته جالب‌تر این است که یک اختراع ثبت‌شده در سیستم ثبت اختراع ایران به دفعات با تغییرات جزئی در آن و یا تعویض نام (استفاده از پیشوندها و پسوند هوشمند خودکار و یا نام انگلیسی و مخفف نام آن) بدون اینکه به کارایی و محتوای آن دقت شود ثبت می‌گردد. این در حالی است که بعضی از اختراعات نه بخاطر پیچیدگی بلکه به خاطر ایده‌ی نابی که در اختراع داشته است می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و حتی به راحتی برای آن سرمایه‌گذار و فروشنده پیدا کرد.

۵- پیشنهاد می‌شود بهتر است طرح استقرار نظام مالکیت فکری در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی اعم از دولتی و خصوصی که سال‌هاست در مراکز تحقیقاتی و پژوهشی جهان، تجربه شده و دستاوردهای بسیاری را به همراه داشته است، به همراه الزامات آن ارائه شود تا مشکل مربوطه به حداقل رسد.

۶- نقض کپی‌رایت ماهیت خاصی دارد و در برخی موارد، مانند حق اجرای عمومی اثر، عرفاً نقض محقق نمی‌شود؛ مگر با دخالت شخصی غیر از ناقض مستقیم بر همین اساس پیشنهاد می‌شود دادگاه‌ها در احراز نقض کپی‌رایت، با عنایت به این ماهیت ویژه و مالکات قانونی مانند مواد ۱۲۶ و ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۱۲، به مسئولیت کسانی حکم کنند که بدون دخالت در نقض مستقیم کپی‌رایت، وسایل ارتکاب آن را فراهم می‌کنند.

منابع فارسی:

۱. اسلامی تبار، امیر؛ ناصر، مهدی؛ کارکرد بلاک چین در حمایت از کپی‌رایت پژوهش حقوق خصوصی بهار ۱۳۹۹- شماره ۳۰ رتبه ب صفحه- از ۶۷ تا ۹۶)
۲. اشتیاق، وحید، نظر چند تن از فقها و آیات عظام پیرامون حقوق مالکیت فکری، فصلنامه‌ی رهنمون، شماره ی دوم و سوم، ۱۳۷۱.
۳. افتخار زاده، محمود رضا، (۱۳۹۶) حقوق مؤلفان، مترجمان و هنرمندان و ناشران اسلامی معاصر، چاپ اول، تهران، نشر هزاران.
۴. امامی، دکتر اسدالله (۱۴۰۱) حقوق مالکیت معنوی (جلد اول)، تهران: انتشارات میزان.
۵. آیتی، حمید، (۱۳۹۵) حقوق افرویش های فکری، چاپ اول، انتشارات حقوقدانان تهران.
۶. پورمحمدی، شیما (۱۳۹۲) کتاب قواعد کپی‌رایت: پرونده ها و توضیحات ناشر: میزان
۷. پورمحمدی‌ماهونکی، شیما، (۱۳۸۵) حقوق اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیو و تلویزیونی، پایان نامه دوره ی کارشناسی ارشدحقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۰) حقوق اموال، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش، تهران.
۹. حیدریان دولت‌آبادی، محمدجواد؛ مظاهری کوهانستانی، رسول؛ تشکیل مرجع ملی حمایت از حقوق مالکیت فکری در راستای اقتصاد مقاومتی مجله: اقتصاد اسلامی» بهار ۱۳۹۹ - شماره ۷۷ صفحه - از ۲۱۱ تا ۲۳۹)
۱۰. رهبر، نوید، (۱۳۸۴) تأثیر اینترنت بر حق مؤلف در نظام حقوق بین‌الملل و حقوق کنونی ایران، مجموعه مقاله‌های همایش بررسی جنبه‌های حقوقی فناوری‌های اطلاعات، تهران، سلسبیل.
۱۱. شفیع شکیب، مرتضی، (۱۳۹۱) حمایت از حقوق مؤلف، قوانین و مقررات بین‌المللی، تهران: خانه کتاب.
۱۲. صفایی، دکتر سیدین، (۱۳۹۷) حقوق مدنی و تطبیقی، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۶) دوره ی مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، چاپ ششم، انتشارات میزان، تهران.
۱۴. کاتوزیان، دکتر ناصر، (۱۳۸۳) مقدمه علم حقوق، چاپ سی و نهم، چاپ شرکت انتشار، ش ۲۸۹.
۱۵. گرجی، دکتر ابوالقاسم، مشروعیت حق و حکم با تأکید بر حق معنوی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران ش ۲۹، سال ۱۳۹۲.
۱۶. لایقی، غلامرضا، (۱۳۹۱) کپی‌رایت در کشورهای پیشرفته صنعتی، تهران: خانه کتاب.
۱۷. مشیریان، محمد، (۱۳۳۹) حق مؤلف و حقوق تطبیقی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۸. موسوی خمینی، روح ...، (۱۳۹۵) ه.ق، تحریرالوسیله، چاپ، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم.
۱۹. مهریزی، مهدی، (۱۳۹۱) مقاله ی مبانی فقهی حق مؤلف، همایش تخصصی بررسی حقوق نشر کتاب در ایران، انتشارات خانه ی کتاب.
۲۰. میر شمسی، محمدهادی؛ نقش کپی‌رایت در دسترسی همگانی به اطلاعات؛ محدودسازی یا سالم‌سازی مجله: مطالعات رسانه‌های نوین « بهار ۱۳۹۹ - شماره ۲۱ صفحه - از ۱ تا ۲۶)
۲۱. میرحسینی، دکتر سیدحسن (۱۳۹۲) کتاب حقوق طرح‌های صنعتی، تهران، انتشارات میزان..
۲۲. میرحسینی، دکتر سیدحسن (۱۳۹۵) مقدمه ای بر حقوق مالکیت معنوی، تهران، انتشارات میزان..
۲۳. نوروزی، علیرضا، (۱۳۹۱) حقوق مالکیت فکری، چاپ اول، نشر چاپار، تهران.

۲۴. وزیری هامانه (یگانه)، معصومه؛ حق دسترسی به اطلاعات و کپی‌رایت در فضای مجازی همایش: پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران « دوره ۶؛ ۲۷/۰۶/۱۳۹۹ - ۲۷/۰۶/۱۳۹۹ (صفحه - از ۱۸۵ تا ۱۹۳)
۲۵. وزیری هامانه (یگانه)، معصومه؛ حق دسترسی به اطلاعات و کپی‌رایت در فضای مجازی مجله: ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران « مجموعه مقالات کنفرانس (صفحه - از ۱۸۵ تا ۱۹۳)
۲۶. هنری توماس، (۱۳۴۸) بزرگان فلسفه، ترجمه ی فریدون بدره ای، چاپ سوم.

منابع لاتین

1. Al. Sec 8, [8]: To promote the progress of science and useful Arts, by securing for limited times to authors and inventors the exclusive right to their respective writing and discoveries.
2. Colin, Capitant et Julliot de la morandiere, droit civil, T 2, n 224 et après Mazaud (j), droit civil, T 2, n 1348.
3. Colombet, claud, la portee des autorisations d'exploitation en matiere des contrats relatifs au droit d'auteur, mélanges andre , mélanges andre francon , Dalloz, paris,, 1995
4. Colombet, claud, les grands principes du droit d'auteur et droits voisins dans le monde, I ere ., edunesco ., paris , paris , 1990
5. Convention de Berne pour la protection des oeuvres litteraires et artistiques du, September 1886 et complete jusqu a 1979
6. Copyright Basics , Library of Congress , Copy right Office , Washington D.C (www.loc.gov/copyright)
7. Copyright registration of musical compositions, united states copyright office, circular 56a, june, 1999, www.loc.gov/copyright.
8. CORBET, jan , le developement technique conduit – il a changement de la notion d'auteur, Rida., n. 148, 1991.
9. Criminal copyright infringement: 17 U.S.C 506 and 18 U.S.C 2319 department.
10. Denis P.Deneau, Canada, International book publishing, An Encyclopedia, Philip G.Altbach, Edith S.Hoshino, 1996
11. Desbois, henri, le droit d'auteur en france, 2eme, ed., dalloz paris, 1970, p .441.
12. Elkin koren, niva, copyright policy and the limits of freedom of contract, www.law.journal .com., 1997.
13. Emcyclopedie Juridique, Dalloz, n 18 et s; Dictionnaire Juridique, Dalloz, n 3, mot anthologie.
14. Ficsor, mihaly, protection of works and copyright and related rights in the digital environment, wipo national seminar, Tehran , Feb, 2003
15. Fishman. Stephen, The copyright Handbook. Nolo Press, 4th ed, 1998.
16. Gaudrat, philippe, le point de vue d'un auteur sur titularite, le d'auteur a jour d'aujourd'hui, lere. Ed., edition du centre national de recherches scientifique, paris, 1991
17. Goldstone, david – leary, Michael, noel criminal Copyright infringement issues related to the internet, updated july, 10, 2001, www.cybercrime.gov/ipmanual.

A Study of the Developments of Literary and Artistic Property Rights in Iranian and American Law

Mahnaz Roozbeh¹, Mohammad Rahim Behbahani²

1-Master's Degree in Private Law, Islamic Azad University, Kazerun Branch, Iran

2-Assistant Professor and Faculty of Private Law, Islamic Azad University, Kazerun Branch, Iran

Abstract

A person who decides to publish and sell his literary, artistic or scientific work with the support of the legislator, makes this decision without worrying that others will trample on his material and moral rights and deprive him of these indisputable rights. Therefore, copyright is a legal measure that has been established to protect the material and moral rights of the creators or producers of literary, artistic and scientific works. In light of this right, the owner is allowed to be the sole decision-maker regarding the printing or non-printing of a literary work, and any person who infringes on this right, whether real or legal, is prohibited. The present study aimed to examine the developments in literary and artistic property rights in Iranian and American law in a descriptive and library manner. The results showed that there are differences and similarities between Iranian and American law in the field of copyright, so that in Iranian law, although various laws and regulations have addressed crimes and punishments resulting from violations of creators' rights for many years, the law on the rights of authors and creators (approved in 1969), although it was considered advanced and complete in the legal era, does not have enough details today so that individuals can act within the legal limits by referring to it, and in many cases, the scope of the actions of the violators is wider than the scope of the crimes determined by the laws. Therefore, Iran's accession to the conventions for the protection of literary and artistic works would be the best solution. Because by observing the provisions of these conventions, many of the shortcomings of Iranian laws in this field will be eliminated, and not only will Iran respect the rights of foreign works, but the rights of Iranian writers and artists in other countries will also be protected. This is while in American law, intellectual property includes rights related to literary, artistic and scientific works; performances of actors, recorded sounds, radio programs, inventions in all fields of human activity, scientific discoveries, industrial designs, trademarks, service marks, trade names and titles of protection against unfair competition and other rights arising from intellectual activity in the industrial, scientific, literary and artistic realms, and even in the field of misuse and copying, utmost prevention is also taken.

Keywords: Rights, Literary and Artistic Property, Copyright, Iranian Law, America
